



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مکینه فاضله
در پرتو
امر به معروف و نهی از منکر

علی اصغر رضوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۸	سخن ناشر
۲۰	پیشگفتار
۲۲	ضرورت توجه به امر به معروف و نهی از منکر
۲۷	معنای لغوی معروف و منکر
۲۸	معنای اصطلاحی معروف و منکر
۲۹	اقسام امر به معروف و نهی از منکر
۳۰	تأکید قرآن بر امر به معروف و نهی از منکر
۳۵	روایات و تشویق به امر به معروف و نهی از منکر
۳۸	آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر
۴۴	عواقب و آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر
۵۰	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۵۶	روش های امر به معروف و نهی از منکر
۵۶	اشاره
۵۶	۱ - استفاده از اسلوب صحیح و غیر حساسیت زا
۵۸	۲ - استفاده از داستان
۵۸	۳ - استفاده از ضرب المثل
۵۹	۴ - مخاطب را به فکر واداشتن
۶۰	۵ - استفاده از گفتگو
۶۰	۶ - شجاعت در گفتار

- ۶۱ - از خود گذشتگی ۷
- ۶۱ - خوشرویی ۸
- ۶۱ - مدارا کردن با مردم ۹
- ۶۲ - نیکی و نیکوکاری ۱۰
- ۶۲ - صبور بودن ۱۱
- ۶۲ - حفظ خونسردی هنگام اهانت ۱۲
- ۶۳ - همگانی شدن ۱۳
- ۶۴ - نوید دنیایی دادن ۱۴
- ۶۵ - تشکیل مرکزی برای امر به معروف و نهی از منکر ۱۵
- ۶۵ - از بشارت شروع کردن ۱۶
- ۶۶ - شروع به ترساندن در صورتی که گناه خطیر است ۱۷
- ۶۶ - استفاده از کلمات عاطفی ۱۸
- ۶۷ - زیاد امر به معروف و نهی از منکر کردن ۱۹
- ۶۷ - از کارهای زشت آنان ترشو نشدن ۲۰
- ۶۷ - فرزند و نزدیکان خود را نیز نصیحت کردن ۲۱
- ۶۸ - هنگام نصیحت فرزند از کلمات خاص عاطفی استفاده کردن ۲۲
- ۶۸ - باید حرکت نمود ۲۳
- ۶۸ - امر به تعقل نمودن ۲۴
- ۶۸ - در کلمات خود خدا را شاهد گرفتن ۲۵
- ۶۸ - اعلام تبری از کردار زشت نمودن ۲۶
- ۶۹ - با نپذیرفتن نصیحتش به خدا توکل کردن ۲۷
- ۶۹ - مخاطب را امیدوار کند ۲۸
- ۶۹ - ترساندن از عذاب ۲۹
- ۷۰ - بزرگی فرد مانع نصیحت کردن او نمی شود ۳۰
- ۷۰ - به برتری علم خود بر مخاطب اشاره کند ۳۱
- ۷۰ - با نزدیکان از راه دلسوزی وارد شود ۳۲

- ۳۳ - موضع خود را بعد از نپذیرفتن دعوت جدا کند ۷۱
- ۳۴ - علت کناره گیری را بیان کند ۷۱
- ۳۵ - از نزدیکان شروع شود ۷۱
- ۳۶ - به مظاهر فساد با دید استهزا نگر بسته شود ۷۲
- ۳۷ - بعد از آگاهی مخاطب، سخن خود را ادامه دهد ۷۲
- ۳۸ - به انحراف های عقیدتی و عملی هر دو اشاره شود ۷۳
- ۳۹ - اشاره به خیرخواهی خود کند ۷۳
- ۴۰ - اشاره به نعمت های خدادادی کند ۷۳
- ۴۱ - اشاره به اصلاح گری خود کند ۷۳
- ۴۲ - با ظهور استکبار سخن خود را قطع کند ۷۴
- مراتب نهی از منکر ۷۵
- و جوب کفایی امر به معروف و نهی از منکر ۸۱
- امر به معروف و نهی از منکر عملی ۸۲
- چه کنیم که از اهل معروف باشیم ۸۳
- کسانی که امر به فحشاء و نهی از معروف می کنند ۸۳
- راهکار دوری از فحشا و منکرها ۸۴
- چند فتوا از امام خمینی رحمه الله ۸۵
- پاسخ به شبهات ۸۹
- اشاره ۸۹
- شبهه اول ۸۹
- شبهه دوم ۹۳
- شبهه سوم ۹۵
- شبهه چهارم ۹۶
- شبهه پنجم ۹۷
- منابع و مأخذ ۱۰۱
- درباره مرکز ۱۰۳

مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور: مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر / علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۹۳ص.

شابک: ۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۹۹۴-۰۳

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر

موضوع: امر به معروف و نهی و از منکر -- جنبه های قرآنی

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر -- پرسش ها و پاسخ ها

رده بندی کنگره: ۴/۲۲۶/۴BP/م۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۲۹۷۱

ص: ۱

اشاره

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور : مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر / علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۹۳ص.

شابک : ۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۹۴-۳ :

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : امر به معروف و نهی از منکر

موضوع : امر به معروف و نهی از منکر -- جنبه های قرآنی

موضوع : امر به معروف و نهی از منکر -- پرسش ها و پاسخ ها

رده بندی کنگره : ۴/۲۲۶/۴BP/م۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۷۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۲۹۷۱

ص: ۳

فهرست

تصویر

□

ص: ۵

تصوير

□

ص: ٦

تصوير

□

ص: ٧

تصوير

□

ص: ٨

تصوير

□

ص: ٩

تصوير

□

ص: ١٠

در عصر انقلاب اسلامی و حاکمیت اسلام بر کشور جمهوری ایران و استقبال چشمگیر اقشار مختلف جهان به سوی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و الگوگیری از نظام مقدس جمهوری اسلامی به عنوان الگویی راستین و سالم برای حکومت در جهان کنونی و با تأکید در کتاب الله، قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام و اصل هشتم قانون اساسی (۱) که برگرفته از قرآن و سنت است و بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر تأکید نموده است و تأیید حضرت امام خمینی رحمه الله، بنیانگذار جمهور اسلامی ایران و مقام معظم رهبری دامت برکاته و اعلی مقامه و مراجع شیعه، لذا کتاب مذکور را به زیور طبع آراستیم، از مؤلف محترم، استاد حاج علی اصغر رضوانی و عزیزانی که ما را در چاپ این اثر کمک و مساعدت نموده اند بویژه تولیت محترم مسجد مقدس جمکران، حضرت آیه الله وافی کمال تشکر و امتنان را داریم. امید است مورد رضایت حضرت حق واقع گردد. ان شاء الله.

حسین احمدی

ص: ۱۱

خداوند متعال پیامبر خود را برای هدایت و راهنمایی بشر و آزاد ساختن او از انواع انحراف های فکری و عملی، به سوی آنان فرستاد تا جامعه بشری را به مقام خلافت الهی رسانده و انسان ها را به کمال روحی، رشد عقلانی و ارتقای رفتاری برساند.

هدایت انسان به معنای تغییر محتوای عقلی، قلبی و عملی اوست تا با آیین الهی در زندگی او منسجم گشته و فکر، عاطفه و رفتار او مطابق با دستورهای خداوند گردد.

هنگامی که به طبیعت این تغییر و تحول نظر می شود امر آسانی نیست؛ زیرا با نفس بشریت سر و کار داشته و با محدودیت، ضعف، عجز بودن، شهوت های نفسانی، غرور و تکبر و دیگر صفات رذیله او مواجه است... و لذا اقدام به تغییر و تحول جامعه، با ابزار و وسایلی امکان پذیر است که با واقعیت های بشری تناسب داشته باشد. این

تغییر و تحول تنها از راه امر به معروف و نهی از منکر با شرایط خاص آن که از آن جمله؛ پشتکار در عمل، شروع از خود و اطلاع دقیق از حالات فکری، عاطفی و رفتاری انسان و شناخت موقعیت ها و ظرفیت های جامعه از ناحیه آمران به معروف و ناهیان از منکر می باشد امکان پذیر است تا بتواند آنان را به اهداف الهی و عقلایی خود برساند. و لذا امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین تکالیفی است که قیام به آن واجب است؛ زیرا فرایض الهی به واسطه آن برپا می شود و می تواند مردم را به سوی خدای متعال دعوت نماید.

از آنجا که مشاهده می شود این وظیفه مهم و حیاتی بر زمین مانده و به آن بی توجهی شده است؛ در حالی که سنگ زیربنا و اساسی تمام احکام الهی است لذا درصدد برآمدیم تا کتابی هرچند مختصر در این زمینه تألیف نموده و به جامعه عرضه نماییم و امیدواریم که منشأ تحولی در سطح عموم مردم باشد.

علی اصغر رضوانی

ص: ۱۴

ضرورت توجه به امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از جمله مسائل بسیار مهمی است که توجه ویژه ای را به آن می طلبد و لذا بزرگان دین و مسؤولان مملکت تأکید فراوانی بر آن داشته اند؛

الف) بیانات امام خمینی رحمه الله

ایشان می فرمایند: «کوشش کنید که احکام اسلام را هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند؛ همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند»^(۱).

ایشان همچنین می فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است، یک چیزی نیست که بر یکی واجب

ص: ۱۵

باشد بر دیگری نه؛ همه ما مکلفیم که همان طور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، مکلف هستیم دیگران را همین طور دعوت کنیم؛ هر مقداری که می توانیم؛ شما نباید بگویید که خوب، من که خطیب نیستم، من که اهل منبر نیستم، من که اهل محراب نیستم، شما اهل این هستید که در خانواده تان با آن پسران و دخترتان و با اولیایان، با آن کسی که رفیق شما هست، می توانید حرف را بزنید؛ همین مقدار شما مکلفید. اگر انسان دید معصیت خدا می شود باید جلوی او را بگیرد، نگذارد معصیت خدا بشود».(۱)

در جای دیگر می فرماید: «ما همه امروز وظیفه داریم؛ امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمین واجب است، جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین واجب است، سفارش به حق که امر به معروف است و نهی از منکر است بر همه مسلمین واجب است».(۲)

و می فرماید: «باید ایران یک مملکت اسلامی و همه چیزش اسلامی باشد. اگر کسی در احوال شخصی اش مرتکب معصیت و فساد هم بشود و بر فرض اثبات هم، روی موازین شرعی باید امر به معروف و نهی از منکر نمود. نباید کسی از این معنا سوءاستفاده کند و در خیابان ها کار خلاف شرع انجام دهد».(۳)

ص: ۱۶

۱-۳. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۴.

۲-۴. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۵.

۳-۵. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

ایشان خطاب به افراد شورای امر به معروف و نهی از منکر فرمودند: «همه باید امر به معروف و نهی از منکر کنند... مسأله امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز یادگرفتنی است و شما باید بروید و مسائل آن را یاد بگیرید، در هر مورد، اینکه در کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد مسائلی وجود دارد.

در جامعه اسلامی در تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر با لسان است، اما اگر کار به برخورد بکشد آن دیگر به عهده مسئولین است.

چیزی که جامعه را اصلاح می کند همین نهی از منکر زبانی است؛ اگر مردم به آدم بدکار، خلاف کار، کسی که اشاعه فحشا می کند، می خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، بگویند و ده یا صد یا هزار نفر و به طور کلی افکار عمومی جامعه روی وجود و ذهن او سنگینی کند، این برای او شکننده ترین چیزهاست. راه مقابله با انحراف های قدرت های استکباری، پایبندی به اصول، اجرای امر به معروف و نهی از منکر و حرکت های حزب اللهی است»^(۱).

ج) بیانات شهید مطهری

شهید مطهری رحمه الله درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

ص: ۱۷

«لازم است بحث بیشتری درباره خود این اصل بکنیم. اساساً مورد احتیاج ماست که این اصل را بشناسیم، اصلی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله اینچنین بر آن تکیه می کند؛ اصلی که اگر تنها به قرآن مراجعه کنیم... متوجه می شویم که این موضوع در این کتاب مقدس آسمانی چقدر تکرار شده است و چه اندازه بدبختی ملل گذشته را مستند می کند به اینکه امر به معروف و نهی از منکر نداشته اند: «فَلَوْلَمَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةِ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ...»؛^(۱) «چرا در قرون [واقوام قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد جلوگیری کنند؟!».

درباره قوم دیگر می فرماید: «كَانُوا لَمَّا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛^(۲) «آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند؛ چه بدکاری انجام می دادند».

اینها بدبخت و بیچاره شدند، به هلاکت رسیدند، از میان رفتند؛ چرا؟ چون نهی از منکر نمی کردند، با فساد مبارزه نمی کردند و بسیار بد می کردند».^(۳)

ایشان همچنین می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد اسلامی نیست...»؛ حسین بن علی علیه السلام در راه امر

ص: ۱۸

۱- ۷. سوره هود، آیه ۱۱۶.

۲- ۸. سوره مائده، آیه ۷۹.

۳- ۹. حماسه حسینی، ص ۲۱۷.

به معروف و نهی از منکر، یعنی در راه اساسی ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرق است، دنبالش تفکک و از میان رفتن و گنبدین پیکر اجتماع است، بله، این اصل این مقدار ارزش دارد...» (۱).

و نیز می فرمایند: «این قرآن است که در موضوع آزادی انسان و مسئولیت و تعهد شخصی او در برابر خود و تکلیفش فریاد می زند: «إِنَّا هِدَيْنَاكَ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا» (۲) «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (۳) «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَيَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (۴)...» (۵).

(د) قانون اساسی، اصل هشتم

در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «در جمهوری اسلامی دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...».

ص: ۱۹

۱- ۱۰. همان، ص ۲۳۵.

۲- ۱۱. سوره انسان، آیه ۳.

۳- ۱۲. سوره بلد، آیه ۱۰.

۴- ۱۳. سوره اسراء، آیه ۱۹.

۵- ۱۴. حماسه حسینی، ص ۲۲۱.

ابن منظور در تعریف «معروف» می نویسد: «المعروف ما يستحسن من الأفعال وكل ما تعرفه النفس من الخير و تطمئن اليه»؛^(۱) «معروف هر کار دارای حسن است و هر کاری از خیر که نفس، آن را شناخته و به آن اطمینان دارد».

او همچنین در تعریف «منکر» می نویسد: «والمنكر: كل ما قبحه الشرع و حرّمه و كرهه»؛^(۲) «و منکر هر عملی است که شارع آن را قبیح دانسته و حرام کرده و مکروه دانسته است».

راغب اصفهانی می نویسد: «المعروف هو اسم لكل فعل يُعرف بالعقل او الشرع حسنه و المنكر: ما ينكر بهما»؛^(۳) «معروف اسم است برای هر کاری که با عقل یا شرع، حسن آن شناخته می شود. و منکر عملی است که به عقل یا شرع قبح آن معلوم می گردد».

طبرسی می نویسد: «انّ المعروف الطاعة و المنكر المعصيه، و كلّ ما امر الله و رسوله به فهو معروف و ما نهى الله و رسوله عنه فهو منكر»؛^(۴) «همانا معروف به معنای طاعت و منکر به معنای معصیت است و هر آنچه که خدا و رسولش به آن امر کرده اند، معروف و آنچه را خدا و رسولش از آن نهی کرده اند، منکر است».

ص: ۲۰

۱- ۱۵. لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۹.

۲- ۱۶. همان، ج ۵، ص ۲۳۳.

۳- ۱۷. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۱.

۴- ۱۸. مجمع البيان، ج ۱، ص ۴۸۳.

صاحب شرایع می فرماید: «المعروف هو كل فعل حسن اختص بوصف زائد علی حسنه اذا عرف فاعله ذلك او دلّ علیه والمنکر كل فعل قبیح عرف فاعله قبیحه او دلّ علیه»؛^(۱) «معروف هر کار نیکی است که دارای صفتی زائد بر حُسن باشد؛ در صورتی که انجام دهنده، حسن آن را شناخته یا بر آن راهنمایی شود. و منکر هر کار قبیحی است که انجام دهنده، قبیح آن را شناخته یا بر آن راهنمایی شود».

قید (بوصف زائد علی حسنه) که در متن حدیث آمده، به جهت خارج کردن مباح است که در آن چیزی زاید بر حُسن نیست و لذا «معروف» تنها شامل مستحب و واجب می شود.

ص: ۲۱

اقسام امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر بر دو قسم است:

۱ - امر به معروف واجب و نهی از منکر حرام؛

امر به معروف واجب مثل نماز و نهی از منکر حرام مثل گناه، واجب کفایی است و بر همه مکلفان واجب می باشد ولی با امر و نهی برخی، این تکلیف واجب از عهده دیگران ساقط می گردد.

۲ - امر به معروف مستحب و نهی از منکر مکروه؛

امر به معروف مستحب مثل نماز شب و نهی از منکر مکروه مثل خواب بین الطلوعین، مستحب کفایی است که با امر و نهی برخی از عهده دیگران این تکلیف استحبابی ساقط می شود.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «هر یک از امر و نهی در اینجا به واجب و مستحب تقسیم می شود، پس هر آنچه از نظر عقل یا شرع واجب است، امر به آن واجب و هر چه از نظر عقل قبیح یا در شرع حرام است نهی از آن واجب است، و آنچه مستحب است امر به آن نیز مستحب، و آنچه مکروه است نهی از آن مستحب است»^(۱).

ص: ۲۲

تأکید قرآن بر امر به معروف و نهی از منکر

۱ - خداوند متعال می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (۱) «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند».

۲ - و می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»؛ (۲) «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید».

۳ - و می فرماید: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْتَجِدُّونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ (۳) «آنها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می کنند؛ و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می خوانند؛ در حالی که سجده می نمایند. به خدا و روز دیگر ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آنها از صالحانند».

ص: ۲۳

۱- ۲۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲- ۲۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۳- ۲۳. سوره آل عمران، آیه ۱۱۳ و ۱۱۴.

۴ - و می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (۱) «مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند؛ نماز را برپا می دارند؛ و زکات را می پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد؛ خداوند توانا و حکیم است».

۵ - و می فرماید: «لَوْلَمَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ (۲) «چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می دادند».

۶ - و می فرماید: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ (۳) «کافران بنی اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند این به خاطر آن بود که گناه کردند، و تجاوز می نمودند. آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند؛ چه بدکاری انجام می دادند».

ص: ۲۴

۱- ۲۴. سوره توبه، آیه ۷۱.

۲- ۲۵. سوره مائده، آیه ۶۳.

۳- ۲۶. سوره مائده، آیه ۷۸ و ۷۹.

۷- و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...»؛^(۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان ها و سنگ هاست نگه دارید».

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ... جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي وَقَالَ: اأنا عجزت عن نفسي كلفتُ أهلي، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: حسبك ان تأمرهم بما تأمر به نفسك وتنهاهم عمّا تنهى عنه نفسك»؛^(۲) «چون این آیه نازل شد... مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریه کرد و گفت: من از هدایت خود عاجزم، حال تکلیف به هدایت اهل بیتم شده ام. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: کافی است تو را که آنان را به آنچه به خودت امر می کنی دستور دهی و از آنچه خودت را دور می داری آنان را نیز نهی کنی».

۸- و می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛^(۳) «همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست».

۹- و می فرماید: «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛^(۴) «پسر! نماز را برپا دار،

ص: ۲۵

۱- ۲۷. سوره تحریم، آیه ۶.

۲- ۲۸. کافی، ج ۵، ص ۶۲.

۳- ۲۹. سوره حج، آیه ۴۱.

۴- ۳۰. سوره لقمان، آیه ۱۷.

و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می رسد شکبیا باش که این از کارهای مهم است».

۱۰ - و می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (۱) «همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز می دارد».

۱۱ - و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِاللَّهِ الَّذِي يَبْعَثُ فِي الْأُمَمِ نُبُوءًا لِيُنذِرَ لِقَوْمٍ يُظَلَمُونَ * التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهِيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (۲) «خداوند از مؤمنان، جان ها و اموال شان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده است؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا

ص: ۲۶

۱- ۳۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲- ۳۲. سوره توبه، آیه ۱۱۱ و ۱۱۲.

کرده اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ! توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان».

۱۲ - و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ (۱) «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید».

۱۳ - خداوند متعال بعد از پایان گرفتن مناظره و نهی از منکر حضرت ابراهیم علیه السلام با عمویش آذر می فرماید: «فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا * وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا...»؛ (۲) «هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستیدند کناره گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم! و از رحمت خود به آنان عطا کردیم...».

از اینکه خداوند می فرماید: «وَهَبْنَا» استفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر واجب است و اگر ما به او صله می دهیم در واقع بخشش و هدیه ای است از ناحیه ما، نه اینکه مستحق آن باشد. و لذا در

ص: ۲۷

۱- ۳۳. سوره نحل، آیه ۹۰.

۲- ۳۴. سوره مریم، آیه ۴۹ و ۵۰.

جایی دیگر تعبیر «برحمه منّا» دارد که دلالت می کند بر اینکه عنایت ما به آمر به معروف و ناهی از منکر از روی رحمت است نه استحقاق؛ آنجا که درباره شعیب پیامبر علیه السلام می فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا...»؛^(۱) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم».

۱۵ - و نیز می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ...»؛^(۲) «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما!».

روایات و تشویق به امر به معروف و نهی از منکر

۱ - امر به معروف و نهی از منکر دو سهم از هشت سهم اسلام

حدیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «الاسلام ثمانية اسهم: الاسلام سهم والصلاح سهم والزكاة سهم وحج البيت سهم والأمر بالمعروف سهم والنهي عن المنكر سهم والجهاد في سبيل الله سهم وقد خاب من لا سهم له»؛^(۳) «برای اسلام هشت سهم است؛ اسلام یک سهم، نماز یک سهم، زکات یک سهم، حج خانه خدا سهمی، امر به معروف سهمی، نهی از منکر سهمی، و برای جهاد در راه خدا نیز سهمی است. و خسارت دید کسی که برای او سهمی نیست».

ص: ۲۸

۱- ۳۵. سوره هود، آیه ۹۴.

۲- ۳۶. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۳- ۳۷. الترغيب والترهيب، ج ۳، ص ۲۳۲.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «انّ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء ومنهاج الصالحين، فريضه عظيمه...»؛^(۱) «همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و طریق صالحان و فريضه ای بزرگ است».

۳ - هدف قیام امام حسین علیه السلام

از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود: «انّی لم اخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً وانّما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی علیهم السلام، ارید أن امر بالمعروف وانهی عن المنكر واسیر بسیره جدی صلی الله علیه وآله وابی علی بن ابیطالب علیه السلام»؛^(۲) «من به جهت طغیان گری و ایجاد تفرقه بین مسلمین و فساد و ظلم قیام نکردم، بلکه برای اصلاح در امت جدّ خود خروج نمودم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده و به سیره جد و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام عمل کنم».

۴ - واجب بزرگ

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «انّ الامر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء ومنهاج الصالحين، فريضه عظيمه، بها تقام الفرائض وتأمين المذاهب وتحلّ المكاسب وتردّ المظالم و تعمر الأرض و ينتصف من الأعداء ويستقيم الأمر...»؛^(۳) «همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا

ص: ۲۹

۱- ۳۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

۲- ۳۹. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.

۳- ۴۰. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

و طریق صالحان و فریضه ای بزرگ است که به واسطه آن فرائض برپا گشته و مذاهب را پشتیبانی می کند و نیز کسب ها را حلال و ظلم ها را ردّ و زمین را آباد و از دشمنان انتقام می گیرد و امور را در طریق مستقیم خود قرار می دهد...».

۵- قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر

ابن شعبه حرانی از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «... بدأ الله بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فریضه منه، لعلمه بانها اذا اديت واقامت استقامت الفرائض كلها حينها وصعبها وذلك ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر دعاء الى الاسلام...»؛^(۱) «... خداوند به امر به معروف و نهی از منکر در جایگاه فریضه ای از ناحیه خود شروع کرد؛ زیرا می دانست که اگر این دو فریضه ادا گشته و برپا شود، تمام فرایض دیگر چه آسان یا سخت برپا خواهد شد، و این بدان جهت است که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «غايه الدين الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر واقامه الحدود»؛^(۲) «هدف دین امر به معروف و نهی از منکر و برپا شدن حدود الهی است».

و نیز فرمود: «قوام الشريعة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر واقامه

ص: ۳۰

۱- ۴۱. تحف العقول، ص ۱۶۸.

۲- ۴۲. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۳۲.

الحدود»؛^(۱) «قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر و برپایی حدود است».

آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر

۱ - مشمول عزت الهی شدن

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر خلقان من خلق الله تعالى؛ فمن نصرهما اعزّه الله تعالى ومن خذلهما خذله الله تعالى»؛^(۲) «امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از مخلوق های خداوند متعال است، که اگر کسی آن دو را یاری کند خداوند متعال او را عزیز گرداند و هرکس که آن دو را خوار نماید خداوند متعال نیز او را ذلیل کند».

۲ - تأیید مؤمنان و ذلت فاسقان

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «من أمر بالمعروف شدّ ظهور المؤمنین، من نهی عن المنكر ارغم انوف الفاسقين»؛^(۳) «کسی که امر به معروف کند کمر مؤمنان را محکم نماید و کسی که نهی از منکر نماید بینی فاسقان را به خاک مالیده است».

۳ - نجات از عذاب عمومی

اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کند، از عذابی که قرار است

ص: ۳۱

۱- ۴۳. همان.

۲- ۴۴. کافی، ج ۵، ص ۵۹.

۳- ۴۵. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۳۲.

برعموم مردم وارد شود نجات می یابد؛

خداوند متعال درباره حضرت هود علیه السلام از آن جهت که نهی از منکر کرده است می فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ»؛^(۱) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم».

و درباره حضرت صالح علیه السلام می فرماید: «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئِذٍ...»؛^(۲) «و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم».

و درباره شعیب می فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا»؛^(۳) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب را نجات دادیم».

۴ - نجات عده ای به برکت نهی از منکر و امر به معروف

خداوند متعال می فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ»؛^(۴) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند را نجات دادیم...».

ص: ۳۲

۱- ۴۶. سوره هود، آیه ۵۸.

۲- ۴۷. سوره هود، آیه ۶۶.

۳- ۴۸. سوره هود، آیه ۹۴.

۴- ۴۹. همان.

و نیز درباره اصحاب سبت می فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»؛ (۱) «آیا هنگامی تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند، به خاطر نافرمانی شان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم».

۵ - به خیر دنیا رسیدن

خداوند متعال درباره مناظره و نهی از منکر حضرت ابراهیم علیه السلام با عمویش آذر می فرماید: «فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ...»؛ (۲) «هنگامی که از آنان و آنچه به جای خدا می پرستیدند کناره گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم».

۶ - مشمول رحمت خدا شدن

خداوند متعال درباره همان موضوع می فرماید: «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا...»؛ (۳) «و از رحمت خود به آنان عطا کردیم».

۷ - زبان گویا پیدا کردن

در ادامه همان قصه آمده است: «...وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا»؛ (۴) «و برای آنها نام نیک و مقام برجسته ای (در میان همه امت ها) قرار دادیم».

ص: ۳۳

۱ - ۵۰. سوره اعراف، آیه ۱۶۵.

۲ - ۵۱. سوره مریم، آیه ۴۹.

۳ - ۵۲. سوره مریم، آیه ۵۰.

۴ - ۵۳. همان.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «الأمر بالمعروف افضل أعمال الخلق»؛^(۱) «امر به معروف بهترین اعمال خلق است».

۹ - عمر و روزی را کم نمی کند

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... وأنَّ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر لا يقربان من اجل ولا ينقصان من رزق...»؛^(۲) «... همانا امر به معروف و نهی از منکر مرگ را نزدیک نمی کند و از روزی انسان کم نمی نماید...».

۱۰ - در حکم نماز بودن

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «أمرک بالمعروف ونهیک عن المنکر صلاه»؛^(۳) «امر تو به معروف و نهی تو از منکر در حکم نماز است».

۱۱ - در حکم صدقه بودن

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «وأمرٌ بالمعروف صدقه ونهیٌ عن المنکر صدقه»؛^(۴) «امر به معروف صدقه است و نهی از منکر در حکم صدقه می باشد».

۱۲ - جانشین خدا و رسول شدن

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «من امر بالمعروف ونهی عن المنکر

ص: ۳۴

۱- ۵۴. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۳۱.

۲- ۵۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۳- ۵۶. الترغیب والترهیب، ج ۳، ص ۲۲۴.

۴- ۵۷. همان.

فهو خليفه الله في أرضه وخليفه رسول الله وخليفه كتابه؛^(١) «كسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در روی زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خداست».

۱۳ - بهترین مردم شدن

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «خیر الناس اتقاهم للرب عزوجل و اوصلهم للرحم و آمرهم بالمعروف و أنہام عن المنکر»؛^(۲) «بهترین مردم کسانی هستند که تقوای بیشتری نسبت به پروردگارشان داشته و صله رحم بیشتری نمایند و امر به معروف و نهی از منکر بیشتر نمایند».

۱۴ - ثواب انجام دهنده را داشتن

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «الأمر بالمعروف کفاعله»؛^(۳) «امر کننده به معروف همانند انجام دهنده آن در ثواب است».

و نیز نقل شده که فرمود: «من أمر بمعروف او نهی عنی منکر او دلّ علی خیر او أشار به فهو شریک و من امر بسوء او دلّ علیہ أو أشار به، فهو شریک»؛^(۴) «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند یا بر خیر راهنمایی نموده یا اشاره کند، شریک در عمل آن است و کسی که امر به کار زشت کرده یا بر آن راهنمایی یا اشاره کند شریک در عمل آن است».

ص: ۳۵

۱- ۵۸. الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۳، ص ۵۸۶.

۲- ۵۹. الترغیب والترہیب، ج ۳، ص ۲۳۰.

۳- ۶۰. کنز العمال، ج ۳، ص ۷۳.

۴- ۶۱. خصال، صدوق، ج ۱، ص ۱۳۸.

از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «إِنَّ مِنْ أُمَّتِي قَوْمًا يَعطون مثل اجور أولهم ينكرون المنکر»؛ (۱) «همانا از امتم قومی است که ثواب و اجر سلف صالح را دارند و آنان کسانی هستند که نهی از منکر می کنند».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... یامر بالمعروف وینهی عن المنکر، لایدخل فی الباطل ولا یخرج من الحق»؛ (۲) «... کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند داخل در باطل نمی شود و از حق خارج نمی گردد».

از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «... والأمر بالمعروف والنهای عن المنکر شهید»؛ (۳) «... و امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر حکم شهید را دارد».

۱- ۶۲. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۷۱.

۲- ۶۳. مکارم الاخلاق، ص ۴۷۷.

۳- ۶۴. مسند امام زید، ص ۳۱۶.

عواقب و آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

۱ - سلب صفت کمال ایمان و اسلام از تارک این دو

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «لیس منا من لم یرحم صغیرنا لم ویوقر کبیرنا و لم یأمر بالمعروف ولم ینهی عن المنکر»؛ (۱) «از ما نیست کسی که به صغیر ما رحم نکرده و احترام بزرگ ما را پاس نمی دارد و امر به معروف و نهی از منکر نمی کند».

۲ - لعنت خدا بر تارک این دو

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «اذا ظهرت البدعه فی امتی فلیظهر العالم علمه فان لم یفعل فعلیه لعنه الله»؛ (۲) «هرگاه بدعت در میان امتم ظاهر گشت؛ پس بر عالم است که علمش را اظهار کند و گرنه لعنت خدا بر او باد».

۳ - مشمول بغض خداوند شدن

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ان الله عزوجل لیبغض المؤمن الضعیف الذی لا یدین له. فقیل له: وما المؤمن الذی لا یدین له؟ قال: الذی لاینهی عن المنکر»؛ (۳) «همانا خدای عزوجل به طور حتم مؤمن ضعیفی را که

ص: ۳۷

۱- ۶۵. همان، و شبیه آن، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۶.

۲- ۶۶. محاسن برقی، ص ۲۳۱.

۳- ۶۷. کافی، ج ۵، ص ۵۹.

دین ندارد دشمن می دارد؛ عرض شد: این کدامین مؤمنی است که دین ندارد؟ حضرت فرمود: کسی که نهی از منکر نمی کند».

۴ - مبتلا شدن به گرفتاری

از آیات قرآن کریم استفاده می شود که تغییر نعمت ها و گرفته شدن آنها از مردم و تبدیل شدن آن به عذاب و گرفتاری توسط خود مردم است؛ زیرا آنان هستند که با دوری از خدا و انجام گناه موجب سلب نعمت ها می شوند:

خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»؛ (۱) «خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند».

و نیز می فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ (۲) «این، به خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند».

خداوند متعال می فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...»؛ (۳) «به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است».

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «لا يزال الناس بخير ما أمروا

ص: ۳۸

۱- ۶۸. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲- ۶۹. سوره انفال، آیه ۵۳.

۳- ۷۰. سوره روم، آیه ۴۱.

بالمعروف ونهوا عن المنكر وتعاونوا على البرّ، فاذا لم يفعلوا ذلك نزعنا منهم البركات وسلط بعضهم على بعض ولم يكن لهم ناصر في الأرض ولا في السماء»؛^(۱) «مردم همیشه در خیر و برکت اند تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نموده و در نیکی، یکدیگر را یاری دهند و چون به وظیفه خود عمل نکنند، برکات از آنان رفته و برخی بر بعضی دیگر مسلط می شوند و در آن هنگام یآوری در زمین و آسمان برای آنان نیست».

از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: اذا امتى تواكلت الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فلتأذن بوقاع من الله تعالى»؛^(۲) «رسول خداصلی الله علیه وآله همیشه می فرمود: هر گاه امتم امر به معروف و نهی از منکر را به دیگری واگذار کند، باید آماده مصائبی از جانب خدای متعال باشد».

۵ - مبارزه با خدا

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «... واذا رأى المنكر فلم ينكره وهو يقوى عليه فقد أحب أن يعصى الله، ومن أحب أن يعصى الله فقد بارز الله بالعداوة...»؛^(۳) «... هر گاه کسی منکر را مشاهده کند و آن را انکار ننماید در حالی که قدرت بر انکار دارد، در حقیقت دوست دارد که معصیت خدا گردد، و کسی که دوست داشته باشد که معصیت خدا شود با خدا به مبارزه پرداخته و دشمنی کرده است...».

ص: ۳۹

۱- ۷۱. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب امر به معروف و نهی از منکر، ح ۱۸.

۲- ۷۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۷.

۳- ۷۳. معانی الأخبار، ص ۲۵۳.

۶ - عدم رضایت الهی از سکوت

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَرْضَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ أَنْ يَعِصِيَ فِي الْأَرْضِ وَهُمْ سَكُوتٌ مَدْعُونَ لَا يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»؛^(۱) «... همانا خداوند تبارک و تعالی راضی نمی شود از اولیائش که در روی زمین معصیت شود و آنان ساکت بوده و با سکوتشان مهر صحت بر آن بگذارند و امر به معروف نکرده و نهی از منکر ننمایند».

۷ - مسلط شدن اشرار بر مردم

از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيَسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شُرَارَكُمْ فِيدَعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ»؛^(۲) «یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید و یا اینکه خداوند بر شما افراد بدی از بینتان مسلط خواهد کرد، که در آن زمان هر چه خوبان شما دعا می کنند برایشان مستجاب نخواهد شد».

۸ - عقاب الهی

خداوند متعال می فرماید: «لَهُ مَعْقِبَاتٌ مِمَّنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛^(۳) «برای انسان، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو و از پشت سرش او را از فرمان خدا [حوادث غیر حتمی حفظ می کنند؛ (اما) خداوند سرنوشت هیچ

ص: ۴۰

۱- ۷۴. وقعه صفین، ص ۴۷۴.

۲- ۷۵. کافی، ج ۵، ص ۵۶.

۳- ۷۶. سوره رعد، آیه ۱۱.

قوم (و ملّتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند».

و می فرماید: «ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ «این، به خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، لَتَنْهَيَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْ عِنْدِهِ ثُمَّ لَتَدْعُنَّهُ فَلا يُسْتَجَابُ لَكُمْ»؛ (۱) «قسم به کسی که جان محمد به دست اوست یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید و یا اینکه نزدیک است خداوند بر شما عقابی را از نزد خود بفرستد که در آن صورت هر چه او را می خوانید برای شما اجابت نمی کند».

۹- فراگیر شدن عقوبت

خداوند متعال می فرماید: «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لِمَا تَصِفُ بَيْنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ (۲) «و از فتنه ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد!».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمْ أُمَّتِي تَهَابُ الظَّالِمِ

ص: ۴۱

۱- ۷۷. کنز العمال، ج ۳، ص ۶۸.

۲- ۷۸. سوره انفال، آیه ۲۵.

ان تقول له؛ انك انت ظالم فقد تودع منهم»؛^(۱) «هرگاه امتم را مشاهده کردید از ظالم می ترسد که به او بگوید تو ظالم هستی، از میان آنان وداع کن».

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «... اوحى الله الى شعيب النبى عليه السلام: ائى لمعذب من قومك مائه الف؛ أربعين ألفاً من شرارهم وستين ألفاً من خيارهم. فقال: يا رب هؤلاء الأشرار فما بال الأخيار؟ فأوحى الله عزوجل اليه: أنهم داهنوا اهل المعاصى ولم يغضبوا لغضبى»؛^(۲) «... خداوند به شعيب نبی علیه السلام وحی کرد که به طور حتم، از میان قومت صد هزار نفر را عذاب خواهم نمود که چهل هزار نفر آنان از افراد بد و شصت هزار نفر دیگر از خوبان اند؛ شعيب عرض کرد: ای پروردگار من! اینان از اشرارند ولی خوبان چه گناهی کرده اند؟ خداوند عزوجل به او وحی کرد که خوبان با اهل معصیت مسامحه نموده و به غضب من غضبناک نشدند».

ص: ۴۲

۱- ۷۹. مسند احمد، رقم حدیث ۶۵۲۱، ج ۱۰، ص ۲۹ - ۳۰.

۲- ۸۰. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «لایأمر بالمعروف ولاینهی عن المنکر الا من کان فیه ثلاث: ... عالمّاً بما یأمر به، عالمّاً بما ینهی عنه»؛ (۱) «امر به معروف و نهی از منکر نمی کند مگر کسی که در او سه خصلت باشد: ... یکی آنکه عالم باشد به آنچه امر نموده و از آن نهی می کند».

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که امر به معروف و نهی از منکر بر جمیع امت واجب است؟ حضرت فرمود: «لا، فقیل له: ولِمَ؟ قال: انما هو علی القوی المطاع، العالم بالمعروف من المنکر، لا علی الضعیف الذی لایهتدی سبیلاً الی ایّ من ایّ یقول من الحق الی الباطل والدلیل علی ذلك کتاب الله عزوجلّ قوله: «وَلَتُكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» فهذا خاص غیر عام؛ كما قال الله عزوجلّ: «وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» ولم یقل: علی امه موسی ولا علی کل قومه وهم یومئذ أمم مختلفه...»؛ (۲) «هرگز، عرض شد چرا؟ حضرت فرمود: همانا این دو وظیفه، بر کسی است که از او اطاعت می کنند، کسی که معروف را

ص: ۴۳

۱- ۸۱. جعفریات، ص ۸۸.

۲- ۸۲. کافی، ج ۵، ص ۵۹ - ۶۰.

از منکر تشخیص می دهد؛ نه بر ضعیفی که راه به جایی نبرده و حق را از باطل تشخیص نمی دهد، از حق می گوید ولی سر از باطل در می آورد. و دلیل بر آن کتاب خدای عزوجل است که فرمود: (و باید از میان شما «گروهی» باشند که دعوت به خیر کرده و امر به معروف و نهی از منکر می کنند) و این خاص است نه عام؛ همان گونه که خداوند عزوجل فرمود: (و از میان قوم موسی امّتی هستند که به حق هدایت کرده و به آن میل می کنند) و فرمود: بر امت موسی و بر تمام قومش و این در حالی است که در آن روز، امت موسی دارای امت های مختلف بودند...».

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «یادگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و جواز و عدم آن، واجب است تا در امر و نهی خود مرتکب منکر نشود».^(۱)

۲ - قدرت بر تأثیرگذاری

در حدیثی که ذکر شد امام صادق علیه السلام فرمود: «... انما هو علی القوی المطاع...»^(۲) «... همانا این دو تکلیف است بر کسی که قوی بوده و مردم او را اطاعت می نمایند...».

۳ - قطع یا احتمال تأثیر

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «انما یؤمر بالمعروف وینهی عن

ص: ۴۴

۱- ۸۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۸.

۲- ۸۴. همان.

المنکر مؤمن فیتعظ او جاهل فیتعلم واما صاحب سوط او سیف فلا»؛^(۱) «همانا کسی امر به معروف و نهی از منکر می شود که مؤمن بوده و موعظه پذیر باشد یا جاهل است و قصد فراگیری دارد؛ ولی کسی که اهل تازیانه و شمشیر است، هرگز».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این حدیث: «انّ افضل الجهاد کلمه عدل عند امام جائر»؛ «بهترین جهاد گفتار حق نزد سلطان ظالم است»، سؤال شد که معنای آن چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هذا علی ان یأمره بعد معرفته وهو مع ذلک یقبل منه و الا فلا»؛^(۲) «این تکلیف به این است که سلطان را بعد از شناخت حق، امر به آن کند و مع ذلک - بدانند یا احتمال دهد - که از او می پذیرد و گرنه بر او تکلیفی نیست».

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «احتمال تأثیر امر و نهی را بدهد؛ پس اگر بدانند یا اطمینان پیدا کند که تأثیر ندارد واجب نخواهد بود».^(۳)

ایشان نیز می فرماید: «گمان به بی تأثیری هر چند قوی باشد موجب سقوط وجوب نیست؛ پس هر گاه احتمال قابل اعتناء پیش عقلا در بین باشد، واجب است».^(۴)

و نیز می فرماید: «اگر دو شاهد عادل گواهی بر بی تأثیری دادند، با

ص: ۴۵

۱- ۸۵. کافی، ج ۵، ص ۶۰.

۲- ۸۶. کافی، ج ۵، ص ۶۰.

۳- ۸۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۹.

۴- ۸۸. همان.

وجود احتمال تأثیر، ظاهر این است که وجوب ساقط نمی شود» (۱).

۴ - ایمن بودن از ضرر

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «...والامر بالمعروف والنهی عن المنکر واجبان علی من امکنه ذلک ولم یخف علی نفسه ولا علی اصحابه» (۲). «...و امر به معروف و نهی از منکر بر کسی واجب است که بر او امکان داشته و بر جان خود و اصحابش نترسد».

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «اگر بداند یا گمان قوی داشته باشد که انکار او موجب زیان جانی یا آبرویی یا مالی مورد توجه بر خود او یا یکی از وابستگان به او مثل خویشان و یاران و همراهان او خواهد داشت، انکار واجب نیست و ساقط می شود» (۳).

۵ - اهل عمل بودن

خداوند متعال می فرماید: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (۴). «(بترسید از) اینکه سخنی بگویید و به آن عمل نکنید! بسیار موجب خشم و غضب خدا است».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «من نصب نفسه للناس اماماً فعليه ان يبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره وليكن تأديبه بسيرة قبل تأديبه بلسانه» (۵). «کسی که خودش را رهبر مردم قرار داده، براوست که شروع به

ص: ۴۶

۱- ۸۹. همان.

۲- ۹۰. خصال، صدوق، ج ۲، ص ۶۰۹.

۳- ۹۱. تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۳۳.

۴- ۹۲. سوره صف، آیه ۳.

۵- ۹۳. شرح ابن ابی الحديد، ج ۱۸، ص ۲۲۰.

تعلیم نفس خود کند قبل از آنکه دیگری را تعلیم دهد و باید تربیت با عمل خود را قبل از تربیت به زبان قرار دهد».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که به ابن مسعود فرمود: «... لا تكونن ممن يهدى الناس الى الخير ويأمرهم بالخير وهو غافل عنه...»؛^(۱) «... از کسانی مباش که مردم را به خیر هدایت کرده و امر به خیر می نماید ولی خودش از آن غافل است...».

و از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «ائتمروا بالمعروف وأمروا به وتناهوا عن المنكر وانها عنه»؛^(۲) «قبل از آنکه امر به معروف کنید خودتان معروف را بپذیرید و قبل از آنکه نهی از منکر کنید دست از منکر بردارید».

و نیز نقل شده که فرمود: «احصد الشر من صدر غيرك بقلعه من صدرك»؛^(۳) «با کندن شرّ از سینه خود، شرّ و بدی را از سینه دیگری درو کن».

و نیز نقل شده که فرمود: «كونوا دعاه للناس بغير ألسنتكم؛ ليروا منكم الورع والاجتهاد والصلاه والخير؛ فان ذلك داعيه»؛^(۴) «مردم را به غیر زبان خود دعوت کنید تا از شما ورع و کوشش و نماز را مشاهده کنند؛ زیرا این روش مردم را به حقّ دعوت می کند».

و نیز نقل شده که فرمود: «..أيتها الناس! انّي واللّه ما أحثكم على طاعه

ص: ۴۷

۱- ۹۴. مکارم الاخلاق، ص ۴۵۷.

۲- ۹۵. تصنیف نهج البلاغه، ص ۳۳۲.

۳- ۹۶. همان، ص ۱۰۶.

۴- ۹۷. کافی، ج ۲، ص ۷۸.

الَّا وَأَسْبِقَكُم إِلَيْهَا وَلَا أَنهَآكُم عَن مَعْصِيَةِ إِلَآ وَآتَاهِي قَبْلَكُم عَنْهَا»؛^(۱) «ای مردم! به خدا سوگند، من شما را بر طاعتی وادار نمی کنم جز آنکه خود بر آن سبقت می جویم و از معصیتی نهی نمی کنم جز آنکه قبل از شما خودم از آن دوری می کنم».

امام علی علیه السلام در وصیت خود به محمّد بن حنفیه فرمود: «... وَكُنْ آخِذَ النَّاسِ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ وَأَكْفَ النَّاسِ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ...»؛^(۲) «... خود به آنچه که امر می کنی از دیگران بیشتر عمل کن و از آنچه نهی می کنی از دیگران بیشتر پرهیز نما...».

۶- اخلاص در امر و نهی

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «سزاوار است که آمر به معروف و ناهی از منکر در امر و نهی و مراتب انکار، خود مانند پزشک معالج مهربان یا پدر مهربان مراعات مصلحت شخص آلوده به گناه را بنماید و انکار او لطف و رحمت برای مرتکب و بلکه بر همه امت باشد. و سزاوار است قصد او تنها خدا و رضایت او باشد و عمل خود را از آمیخته شدن با هواهای نفسانی و اظهار بزرگی حفظ کند و نفس خود را منزّه نداند و برای آن برتری و بزرگی بر مرتکب قائل نباشد...»^(۳).

ص: ۴۸

۱- ۹۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

۲- ۹۹. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۷، ح ۸۳۴.

۳- ۱۰۰. تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۴۴۲.

امر به معروف و نهی از منکر روش هایی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- استفاده از اسلوب صحیح و غیر حساسیت زا

خداوند متعال می فرماید: «...وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ...» (۱) «...و ما یا شما بر هدایت یا در ضلالت آشکار هستیم...».

خداوند به طور صریح و یک جانبه نمی فرماید: ما بر حق و شما بر باطل هستید؛ برای اینکه طرف مقابل را تحریک نکند و بتواند او را به پذیرش گفتارش دعوت نماید.

و نیز می فرماید: «...أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»؛ (۲) «آیا آن که (خلق را) به راه حق رهبری می کند سزاوارتر به پیروی است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟! پس شما (مشرکان) را چه شده که (آن قدر نادانید که) چنین قضاوت می کنید؟».

در این آیه از کلمه (احق) استفاده شده که «افعل التفضیل» است نه

ص: ۴۹

۱- ۱۰۱. سوره سبأ، آیه ۲۴.

۲- ۱۰۲. سوره یونس، آیه ۳۵.

(حَقٌّ) با آنکه خداوند، حَقٌّ و هر آنچه غیر اوست از بت ها و ... باطل است؛ ولی به جهت حساس نکردن طرف مقابل از افعال التفضیل استفاده کرده است.

و نیز درباره قوم عاد نقل شده: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛^(۱) «گروهی از قومش که کافر شدند گفتند: ما تو را سفیه و بی خرد می یابیم و گمان می کنیم که تو از دروغگویان باشی؛ پاسخ داد: ای قوم من! مرا سفاهتی نیست (و گمان شما باطل است)، لیکن من رسول پروردگار عالمیان هستم».

و در مورد قوم حضرت نوح می فرماید: «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛^(۲) «گروهی از قومش گفتند: ما تو را سخت در گمراهی آشکار می بینیم؛ (در پاسخ آنان) گفت: ای قوم من! اصلاً در گمراهی نیستم (شما به خطا می روید)؛ لیکن من رسول پروردگار عالمیان هستم».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای دعوت به عشیره خود فرمود: «یا بنی عبدالمطلب! انئی واللّه ما اعلم شاباً فی العرب جاء قومه بأفضل ممّا قد جئتمکم به، انئی قد جئتمکم بخیر الدنیا والآخرة وقد امرنی اللّه ان ادعوکم الیه...»؛^(۳) «ای فرزندان عبدالمطلب! به خدا سوگند، من جوانی را در بین عرب

ص: ۵۰

۱- ۱۰۳. سوره اعراف، آیه ۶۶ - ۶۷.

۲- ۱۰۴. سوره اعراف، آیه ۶۰ - ۶۱.

۳- ۱۰۵. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۹.

سراغ ندارم که برای قومش بهتر از آنچه من برای شما آورده ام آورده باشد، همانا خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خداوند مرا امر کرده که شما را به سوی آن دعوت نمایم...».

۲- استفاده از داستان

خداوند متعال می فرماید: «... فاقْصِصِ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛^(۱) «پس این حکایت را به خلق بگو، باشد که به فکر آیند».

حضرت شعیب علیه السلام خطاب به قوم خود می فرماید: «...وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ...»؛^(۲) «و بنگرید که عاقبت حال مفسدان چگونه بود».

و نیز از قول آن حضرت می فرماید: «وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ»؛^(۳) «شعیب باز هم لب به نصیحت گشود: ای قوم من! ضدیّت با من، شما را بر آن واندارد تا بر شما همان بلایی برسد که بر قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح (از جانب خدا) نازل شد و (به خصوص) قوم لوط (که) از شما دور نیست».

۳- استفاده از ضرب المثل

خداوند متعال می فرماید: «... وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛^(۴) «و خدا (این گونه) مثل های واضح را برای (تذکر) مردم می زند؛ شاید پند گیرند!».

ص: ۵۱

۱- ۱۰۶. سوره اعراف، آیه ۱۷۶.

۲- ۱۰۷. سوره اعراف، آیه ۸۶.

۳- ۱۰۸. سوره هود، آیه ۸۹.

۴- ۱۰۹. سوره ابراهیم، آیه ۲۵.

و خود از ضرب المثل استفاده کرده می فرماید: «...كَمْثِلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَرَيْنَ الْعَبُوتِ لَمَيَّتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»؛ (۱) «...مَثَلِ عَنكَبُوتِ اسْتِ كِه خَانِه اِي بَرَايِ خُودِ بَنِيَادِ كَرْدِه؛ وَ اِكْر بَدَانْدِ سَسْتِ تَرِينِ خَانِه هَا خَانِه عَنكَبُوتِ اسْت.».

۴ - مخاطب را به فکر واداشتن

خداوند متعال درباره قصه حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ * قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَمُّوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ * فَرَجِعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (۲) «گفتند: ای ابراهیم! تو با خدایان ما چنین کرده ای؟ گفت: بلکه بزرگ ترین آنها چنین کرده است، اگر سخن می گویند از آنها سؤال کنید. آنگاه با خود فکر کردند و گفتند: البته شما ستمکارید.».

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ان رسول الله صلى الله عليه وآله نزل بأرض قرعاء فقال لأصحابه: اتنوا بحطب فقالوا: يا رسول الله نحن بأرض قرعاء ما بها من حطب قال: فليأت كل انسان بما قدر عليه، فجاؤا به حتى رموا بين يديه، بعضه على بعض. فقال رسول الله: هكذا تجتمع الذنوب ثم قال: اياكم والمحقرات من الذنوب؛ فان لكل شىء طالباً، ألا وان طالبها يكتب ما قدموا وآثارهم وكل شىء احصيناه فى امام ميين»؛ (۳) «همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله در

ص: ۵۲

۱- ۱۱۰. سوره عنكبوت، آیه ۴۱.

۲- ۱۱۱. سوره انبياء، آیه ۶۲ - ۶۴.

۳- ۱۱۲. کافی، ج ۲، ص ۲۸۸.

سرزمین بدون هیزم فرود آمد و فرمود: هر کدام از شما هیزم فراهم کند؛ عرض کردند: ای رسول خدا! ما در سرزمینی هستیم که هیزم وجود ندارد؛ حضرت فرمود: هر کدام از شما به مقداری که می تواند هیزم فراهم سازد؛ آنان گشته و مقداری هیزم جمع نموده و نزد حضرت روی هم ریختند؛ رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: اینچنین گناهان جمع می گردد؛ آنگاه فرمود: از گناهان کوچک پرهیزید؛ زیرا برای هر چیزی طلب کننده ای است، آگاه باشید که طلب کننده گناهان آنچه مردم پیش فرستاده و آثارشان را می نویسد و هر چیزی را ما در امام آشکار شماره نموده ایم».

۵ - استفاده از گفتگو

خداوند متعال می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»؛ (۱) «ای رسول! با حکمت و موعظه نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنها به بهترین طریقه، مناظره کن».

۶ - شجاعت در گفتار

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «لا یحقر احدکم نفسه. قالوا: یا رسول الله! کیف یحقر احدنا نفسه؟ قال: یری امرأ لله علیه فیه مقال ثم لا یقول فیه، فیقول الله عزوجل له یوم القیمه: مامنک ان تقول کذا و کذا؟ فیقول خشیه الناس، فیقول: فایای کنت احق ان تخشی»؛ (۲) «کسی از شما نباید خودش را تحقیر کند. گفتند: ای رسول خدا! چگونه یکی از ما خودش را تحقیر

ص: ۵۳

۱- ۱۱۳. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۲- ۱۱۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۸.

می کند؟ حضرت فرمود: مشاهده می کند که از ناحیه خدا بر او واجب شده که مطلبی را بگوید ولی نمی گوید؛ خداوند عزوجل به او در روز قیامت می فرماید: چه چیز تو را مانع شد که چنین و چنان بگویی؟ او در جواب می گوید: از مردم می ترسیدم؛ خداوند به او می فرماید: من سزاوارتر از دیگری به ترسیدن بودم».

۷- از خود گذشتگی

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «بِالْإِثَارِ يَسْتَرْقُ الْأَحْرَارُ»؛^(۱) «با از خود گذشتگی می توان آزاد مردان را به سوی خود جلب نمود».

۸- خوشرویی

از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «أَنْكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ»؛^(۲) «شما هرگز نمی توانید با اموال خود، مردم را به سوی خود جذب کنید؛ پس با اخلاقتان چنین نمایید».

۹- مدارا کردن با مردم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مَدَارَاهُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ الْحَقِّ»؛^(۳) «سرآمد عقل بعد از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم در غیر مورد ترک حق است».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «الرَّفْقُ مِفْتَاحُ النِّجَاحِ»؛^(۴) «مدارا کلید پیروزی است».

ص: ۵۴

۱- ۱۱۵. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۹۶.

۲- ۱۱۶. امالی صدوق، ص ۶۲.

۳- ۱۱۷. تحف العقول، ص ۲۹.

۴- ۱۱۸. غرر الحکم، ص ۲۹۴.

۱۰ - نیکی و نیکوکاری

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «بِالْإِحْسَانِ تَمْلِكُ الْقُلُوبَ»؛^(۱) «با نیکویی است که می توان قلب ها را به سوی خود جذب نمود».

۱۱ - صبور بودن

خداوند متعال می فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»؛^(۲) «و بر آنچه (کافران و مکذبان) می گویند، صبور و شکیباباش! و به طرزی نیکو از آنان دوری گزین».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «بِالْحِلْمِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ»؛^(۳) «با بردباری است که می توان یاران خود را زیاد کرد».

و نیز خداوند خطاب به حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ»؛^(۴) «پس (در اطاعت حق) صبر کن که عاقبت (نیکو) از آن اهل تقوا است».

۱۲ - حفظ خونسردی هنگام اهانت

خداوند متعال قصه حضرت ابراهیم علیه السلام و عمویش را این گونه نقل می کند: «قَالَ أَرَاغِبُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِلْأَرْجَمَتِكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا * قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا»؛^(۵)

ص: ۵۵

۱- ۱۱۹. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۸۵.

۲- ۱۲۰. سوره مزمل، آیه ۱۰.

۳- ۱۲۱. تصنیف غرر الحکم، ص ۲۸۷.

۴- ۱۲۲. سوره هود، آیه ۴۹.

۵- ۱۲۳. سوره مریم، آیه ۴۶ - ۴۷.

«گفت: ای ابراهیم! مگر از خدایان من روی گردان هستی؟ چنانچه دست (از مخالفت بت‌ها) برنداری تو را سنگسار می‌کنم و (گرنه) سال‌هایی از من به دور باش! (ابراهیم) گفت: سلامت باشی، از پروردگارم برای تو آمرزش می‌طلبم! که او در حق من مهربان است».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «ان شئت ان تکرم فلین وان شئت ان تهان فاخشن»؛^(۱) «اگر می‌خواهی اکرام شوی با نرمی سخن بگو و اگر می‌خواهی اهانت شوی با خشونت باش».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «شده الغضب تغیر المنطق و تقطع مادّه الحجه و تفرّق الفهم»؛^(۲) «شدت خشم، سخن گفتن را دگرگون می‌کند، قدرت استدلال را قطع کرده و شعور را متلاشی می‌سازد».

۱۳ - همگانی شدن

از ظاهر برخی آیات استفاده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر را باید دسته‌جمعی و گروهی انجام داد تا هم به لحاظ امنیتی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر بهتر باشد و هم تأثیر بیشتری در مردم بگذارد.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ

ص: ۵۶

۱- ۱۲۴. غرر الحکم، ص ۹۰۲.

۲- ۱۲۵. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴۲۸، حدیث ۷۸.

وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند».

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید: «اگر برپایی واجب یا از بین بردن منکری متوقف بر اجتماع گروهی در امر و نهی باشد، به واسطه اقدام بعضی وجوب از دیگران ساقط نمی شود؛ بلکه واجب است به اندازه نیاز اجتماع نمایند».(۱)

ایشان نیز می فرماید: «اگر عده ای که به اندازه نیاز نیستند؛ در پی برپایی واجبی برآیند و بقیه اقدام نکنند و افراد حاضر نتوانند بقیه را جمع کنند، وجوب از آنان ساقط نمی شود و گناه به گردن متخلفین خواهد بود».(۲)

۱۴- نوید دنیایی دادن

حضرت نوح علیه السلام خطاب به قوم خویش می فرمود: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً * يُزِيلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً»؛(۳) «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد».

ص: ۵۷

۱- ۱۲۶. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۵.

۲- ۱۲۷. همان، ص ۴۲۶.

۳- ۱۲۸. سوره نوح، آیه ۱۰ - ۱۲.

و حضرت هود علیه السلام می فرمود: «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ»؛ (۱) «و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید».

و از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعاً حَسِناً إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ...»؛ (۲) «و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به درگاه او توبه کنید، [تا اینکه شما را تا زمانی معین بهره نیکو بخشد و به هر شایسته نعمتی، از کرم خود عطا کند».

۱۵ – تشکیل مرکزی برای امر به معروف و نهی از منکر

خداوند متعال می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»؛ (۳) «ما نوح را به سوی قومش (به رسالت) فرستادیم (او به قومش گفت: من برای شما بیم دهنده ای آشکارم)».

از آیه فوق می توان استفاده کرد که باید مرکزی برای فرستادن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه تأسیس کرد تا در صورت ضرورت افراد را برای این دو امر خیر بسیج نمود.

۱۶ – از بشارت شروع کردن

خداوند متعال می فرماید: «...فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ»؛ (۴)

ص: ۵۸

۱- ۱۲۹. سوره هود، آیه ۵۲.

۲- ۱۳۰. سوره هود، آیه ۳.

۳- ۱۳۱. سوره هود، آیه ۲۵.

۴- ۱۳۲. سوره بقره، آیه ۲۱۳.

«...پس خدا رسولان را بشارت دهنده (نیکوکاران) و ترساننده (بدان) فرستاد».

خداوند متعال در این آیه دعوت انبیا را از بشارت شروع کرده است.

۱۷ - شروع به ترساندن در صورتی که گناه خطیر است

خداوند متعال می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»؛ (۱) «ما نوح را به سوی قومش (به رسالت) فرستادیم (او به قومش گفت): من برای شما بیم دهنده ای آشکارم».

و نیز درباره پیامبر اسلام می فرماید: «...إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ...»؛ (۲) «... (ای رسول!) وظیفه تو تنها ترساندن (خلق از نافرمانی خدا) است...».

از آنجا که شرک بزرگ ترین گناه بوده و مایه نابودی تمام اعمال خیر است، لذا باید در برابر آن از انداز شروع کرد.

۱۸ - استفاده از کلمات عاطفی

خداوند متعال درباره حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمِيتْ عَلَيْكُمْ أَنْزَلْنَا مُكُومَهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ»؛ (۳) «(نوح به قومش) گفت: ای قوم من! چه می گوئید اگر از جانب پروردگارم دلیل روشن داشته باشم و مرا از نزد خود رحمتی (مخصوص) عطا کرده باشد که بر شما پوشیده مانده؟ آیا ما شما را در حالی که شما بدان اکراه دارید (و اظهار تنفر می کنید) به آن اجبار کنیم؟».

ص: ۵۹

۱- ۱۳۳. سوره هود، آیه ۲۵.

۲- ۱۳۴. سوره رعد، آیه ۷.

۳- ۱۳۵. سوره هود، آیه ۲۸.

۱۹ - زیاد امر به معروف و نهی از منکر کردن

خداوند متعال درباره قوم حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ»؛ (۱) «(قوم نوح) گفتند: ای نوح! تو واقعاً با ما جدال کردی و بسیار هم جزّ و بحث کردی. اکنون اگر راست می گویی آنچه را به ما وعده دادی، برای ما بیاور».

از آیه استفاده می شود که حضرت نوح علیه السلام آنقدر آنان را نهی از منکر کرده بود که کلافه شده و از او درخواست فرود آمدن عذاب نمودند و به او گفتند که زیاد با ما جدال نموده ای.

۲۰ - از کارهای زشت آنان ترشو نشدن

خداوند متعال خطاب به حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «وَأُوحِيَ إِلَيَّ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ (۲) «و به نوح وحی شد: جز آن عده که ایمان آورده اند دیگر هیچ کس (از قومت) ایمان نخواهد آورد و تو از کارهای (کفر و عصیان) این مردم محزون مباش».

۲۱ - فرزند و نزدیکان خود را نیز نصیحت کردن

خداوند متعال می فرماید: «...وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ»؛ (۳) «نوح (از راه شفقت) فرزندش را که در کناری قرار داشت ندا کرد: ای پسر! تو هم همراه ما (بدین کشتی) در آی و با کافران همراه مباش».

ص: ۶۰

۱- ۱۳۶. سوره هود، آیه ۳۲.

۲- ۱۳۷. سوره هود، آیه ۳۶.

۳- ۱۳۸. سوره هود، آیه ۴۲.

۲۲- هنگام نصیحت فرزند از کلمات خاص عاطفی استفاده کردن

خداوند متعال در قرآن کریم نقل می کند که حضرت نوح علیه السلام به فرزندش هنگام رفتن بر کوه به جهت نجات از غرق شدن فرمود: «يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا»؛ (۱) «ای پسر! تو هم همراه ما (بدین کشتی) در آی».

۲۳- باید حرکت نمود

خداوند متعال می فرماید: «وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا»؛ (۲) «(ما) به سوی (قوم) عاد برادرشان هود را فرستادیم».

۲۴- امر به تعقل نمودن

خداوند متعال می فرماید که هود به قوم خود فرمود: «يَا قَوْمِ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنِّي أَخْرَجْتُ عَلَىٰ الذِّمَّةِ فَطَرْنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ (۳) «ای قوم من! از شما مزد رسالت نمی خواهم؛ اجر من جز بر عهده خدایی که مرا آفریده است، نیست؛ آیا (فکر و عقل خود را به کار نمی بندید و) نمی فهمید؟».

۲۵- در کلمات خود خدا را شاهد گرفتن

خداوند متعال از قول حضرت هود علیه السلام نقل کرده که به قوم خود فرمود: «قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ»؛ (۴) «گفت: من خدا را گواه می گیرم».

۲۶- اعلام تبوی از کردار زشت نمودن

خداوند متعال از قول حضرت هود علیه السلام نقل می کند که خطاب به قوم

ص: ۶۱

۱- ۱۳۹. سوره هود، آیه ۴۲.

۲- ۱۴۰. سوره هود، آیه ۵۰.

۳- ۱۴۱. سوره هود، آیه ۵۱.

۴- ۱۴۲. سوره هود، آیه ۵۴.

خود فرمود: «...وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ»؛ (۱) «...و شما هم گواهی دهید که من (از این پس) از خدایانی که غیر خدای یکتا به شرک می پرستید، بیزارم».

۲۷- با نپذیرفتن نصیحتش به خدا توکل کردن

خداوند متعال از قول حضرت هود علیه السلام نقل کرده که فرمود: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ...»؛ (۲) «من بر خدا که پروردگار من و شما است توکل کرده ام...».

۲۸- مخاطب را امیدوار کند

خداوند متعال از قول حضرت صالح علیه السلام می فرماید: «... ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ»؛ (۳) «از او آمرزش طلبید، سپس به درگاه او (پناه برید و از گناهان خود) توبه کنید؛ البته پروردگار من (به همه نزدیک است و دعاها(ی خلق را می شنود و) اجابت می کند».

و از قول حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا»؛ (۴) «از (درگاه) پروردگار خود آمرزش طلبید که او بسیار (خدای) آمرزنده است».

۲۹- ترساندن از عذاب

خداوند متعال درباره خطاب حضرت صالح علیه السلام به قوم خود

ص: ۶۲

۱- ۱۴۳. سوره هود، آیه ۵۴.

۲- ۱۴۴. سوره هود، آیه ۵۶.

۳- ۱۴۵. سوره هود، آیه ۶۱.

۴- ۱۴۶. سوره نوح، آیه ۱۰.

می فرماید: «وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ»؛ (۱) «(صالح گفت:) ای قوم من! این ناقة (آیت) خدا است و نشانه ای برای (اتمام حجّت الهی بر) شما است؛ او را (به حال خود آزاد) بگذارید تا در زمین خدا چرا کند و قصد آزار او نکنید که به زودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت».

۳۰ - بزرگی فرد مانع نصیحت کردن او نمی شود

خداوند متعال درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا * إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا»؛ (۲) «و در این کتاب، ابراهیم را یاد کن که او پیغمبری راستگو بود. هنگامی که با پدر خود گفت: ای پدر! چرا چیزی را که نه می شنود و نه می بیند و هیچ حاجتی از تو بر نمی آورد، پرستش می کنی؟».

۳۱ - به برتری علم خود بر مخاطب اشاره کند

حضرت ابراهیم علیه السلام به عموی خود می فرماید: «يَأْتِي إِيَّانِي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا»؛ (۳) «ای پدر! مرا علمی آموخته اند که به تو نداده اند؛ پس مرا پیروی کن تا تو رابه راه راست هدایت کنم!».

۳۲ - با نزدیکان از راه دلسوزی وارد شود

حضرت ابراهیم علیه السلام به عموی خود فرمود: «يَأْتِي إِيَّانِي أَخَافُ أَنْ

ص: ۶۳

۱- ۱۴۷. سوره هود، آیه ۶۴.

۲- ۱۴۸. سوره مریم، آیه ۴۱ - ۴۲.

۳- ۱۴۹. سوره مریم، آیه ۴۳.

يَمَسُّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا»؛ (۱) «ای پدر! می ترسم از جانب خدای رحمان بر تو عذابی رسد و تو دوستدار شیطان باشی!».

۳۳ - موضع خود را بعد از نپذیرفتن دعوت جدا کند

خداوند متعال بعد از ذکر قصه حضرت ابراهیم علیه السلام و مناظره او با عمویش آذر از قول حضرت می فرماید: «وَأَعْتَرِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِّنَ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا»؛ (۲) «من از شما و بت هایی که به جای خدا می خوانید دوری می کنم و پروردگار خود را می خوانم، امید که چون او را می خوانم (از درگاه لطفش) محروم نگردم».

۳۴ - علت کناره گیری را بیان کند

خداوند متعال از قول حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «وَأَعْتَرِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِّنَ اللَّهِ...»؛ (۳) «من از شما و بت هایی که به جای خدا می خوانید دوری می کنم...».

در این آیه به دلیل کناره گیری کردن خود از آنان؛ که همان خواستن از غیر خدا به نحو استقلال است اشاره کرده است.

۳۵ - از نزدیکان شروع شود

خداوند متعال خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»؛ (۴) «و خویشان نزدیکت را بترسان».

ص: ۶۴

۱- ۱۵۰. سوره مریم، آیه ۴۵.

۲- ۱۵۱. سوره مریم، آیه ۴۸.

۳- ۱۵۲. همان.

۴- ۱۵۳. سوره شعراء، آیه ۲۱۴.

و درباره قصه حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ...»؛^(۱) «هنگامی که به پدرش و قومش گفت...».

۳۶ - به مظاهر فساد با دید استهزا نگریسته شود

خداوند متعال از قول حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»؛^(۲) «هنگامی که به پدرش و قومش گفت: این مجسمه ها (ی بی روح و بی اثر) چیست که در خدمتشان معتکفید؟».

۳۷ - بعد از آگاهی مخاطب، سخن خود را ادامه دهد

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از آگاهی قوم خود از اشتباه در پرستش بت ها فرمود: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ * ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ * قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَلَا يَضُرُّكُمْ * أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛^(۳) «آنگاه با خود فکر کردند و گفتند: البته شما ستمکارید. سپس به حیرت سر به زیر شدند و گفتند: «تو خود می دانی که اینان سخن نمی گویند. گفت: آیا به جای خدای یکتا چیزی را می پرستید که نه نفعی به شما می رساند نه زیانی؟ اف بر شما و بر آنچه به جز خدای یکتا می پرستید! آیا تعقل نمی کنید؟».

ص: ۶۵

۱- ۱۵۴. سوره انبیاء، آیه ۵۲.

۲- ۱۵۵. سوره انبیاء، آیه ۵۲.

۳- ۱۵۶. سوره انبیاء، آیه ۶۴ - ۶۷.

۳۸ - به انحراف های عقیدتی و عملی هر دو اشاره شود

خداوند متعال می فرماید: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ وَلَمَا تَنفَعُوكُمُ الْكُفُورَ وَلَا تَنفَعُوكُمُ الْإِسْلَامَ وَلَا تَنفَعُوكُمُ الْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَانِ...»؛ (۱) «و ما به سوی (اهل) مدین برادرشان شعیب را (به رسالت) فرستادیم (آن رسول) گفت: ای قوم من! خدای یکتا را که جز او خدایی برای شما نیست، پرستش کنید و در کیل و وزن کم مکنید...».

۳۹ - اشاره به خیرخواهی خود کند

خداوند متعال از قول حضرت شعیب علیه السلام می فرماید که به قوم خود گفت: «...إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ»؛ (۲) «...من شما را در (خیر و) نعمت می بینم و از روزی که عذابش شما را فراگیرد، بر شما می ترسم».

۴۰ - اشاره به نعمت های خدادادی کند

حضرت شعیب علیه السلام به قوم خود فرمود: «...وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ...»؛ (۳) «...و (ای مسلمین! شما هم) به یاد آورید زمانی را که عدّه قلیلی بودید (و دشمنان بسیار، خدا) بر عدّه شما افزود...».

۴۱ - اشاره به اصلاح گری خود کند

ص: ۶۶

۱- ۱۵۷. سوره هود، آیه ۸۴.

۲- ۱۵۸. همان.

۳- ۱۵۹. سوره اعراف، آیه ۸۶.

خداوند متعال درباره حضرت شعیب علیه السلام می فرماید: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسِينًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ...»؛^(۱) «(شعیب) گفت: «ای قوم من! رأی شما چیست اگر مرا از جانب پروردگارم حجتی (روشن و دلیلی قاطع) باشد و او مرا رزقی (حلال و) پاکیزه عطا کرده باشد؟ غرض من این نیست که در چیزی که شما را از آن نهی می کنم با شما مخالفت کنم (و خود آن را انجام دهم)؛ بلکه تا بتوانم تنها مقصودم اصلاح (امر) شما است...».

۴۲ - با ظهور استکبار سخن خود را قطع کند

خداوند متعال بعد از آنکه حالت تمرد و استکبار را در شیطان مشاهده کرد؛ آنجا که گفت: «...أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ...»؛^(۲) «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و او را از خاک آفریده ای»، فرمود: «...فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ»؛^(۳) «از این (مقام) فرود آی، که تو را نرسد در آن بزرگی و نخوت ورزی؛ پس بیرون شو که تو از (زمره) فرومایگانی».

ص: ۶۷

۱- ۱۶۰. سوره هود، آیه ۸۸.

۲- ۱۶۱. سوره اعراف، آیه ۱۲.

۳- ۱۶۲. سوره اعراف، آیه ۱۳.

مراتب نهی از منکر

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که با به دست آمدن مقصود از مرتبه پایین تر بلکه با احتمال آن، تعدی به مرتبه دیگر جایز نیست» (۱).

اینک به مراتب آن اشاره می کنیم؛

۱ - انکار قلبی

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «... فانكروا بقلوبكم وألفظوا بألسنتكم وصكوا بها جباههم ولا تخافوا في الله لومه لائم...» (۲) «با قلب هایتان نهی از منکر کرده و به زبان بیاورید و در مقابل بدکاران بایستید و در راه خدا از سرزنش ملامتگر نهراسید».

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «من ترك انكار المنكر بقلبه ولسانه ویده فهو ميت بين الأحياء»؛ (۳) «هر کس انکار منکر را به قلب و زبان و دستش ترک کند، او همانند مرده ای است بین زنده ها».

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «مرتبه اول: کاری انجام دهد که نشان دهنده بیزاری قلبی از منکر باشد و با این بیزاری از او می خواهد معروف را انجام دهد و منکر را ترک کند، این بیزاری قلبی درجاتی دارد

ص: ۶۸

۱- ۱۶۳. تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲- ۱۶۴. تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

۳- ۱۶۵. وسائل الشيعه، باب ۳ از ابواب امر به معروف و نهی از منکر، ح ۴.

مانند چشم از او برداشتن، اخم کردن و رو ترش کردن و یا مانند رو گرداندن یا پشت کردن به او و کناره گیری از او، ترک معاشرت با او و امثال آن».(۱)

۲ - اظهار کراهت و معرفی منکر

خداوند متعال می فرماید: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ... * وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ»؛(۲) «و ما به سوی (اهل) مدین برادرشان شعیب را (به رسالت) فرستادیم (آن رسول) گفت: «ای قوم من! خدای یکتا را که جز او خدایی برای شما نیست، پرستش کنید... . ای قوم من! کیل و وزن را با عدالت، کامل ادا کنید و به مردم چیزهایشان را کم مدهید و در زمین به (خیانت و) فساد برنخیزید».

پیامبر صلی الله علیه وآله بعد از آنکه شنید خالد بن ولید با قوم بنی جذیمه چه کرده، فرمود: «اللَّهُمَّ اِنِّي اَبْرَأُ اِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ»؛(۳) «بار خدایا! من از آنچه خالد بن ولید انجام داده به سوی تو پناه می برم».

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «اگر می دانند که مقصود با مرتبه اول حاصل نمی شود، انتقال به مرحله دوم با احتمال تأثیر واجب است».(۴)

ص: ۶۹

۱- ۱۶۶. تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲- ۱۶۷. سوره هود، آیه ۸۴ - ۸۵.

۳- ۱۶۸. السيره النبويه، ابن هشام، ج ۴، ص ۷۲.

۴- ۱۶۹. تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۳۸.

از امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: «یا هشام! ثم وعظ اهل العقل ورغبهم فی الآخرة.. ثم خوف الذین لا یعقلون عذابه»؛^(۱) «ای هشام! کسانی را که دارای خرد هستند موعظه کن و آنان را ترغیب به آخرت بنما... آنگاه کسانی را که اهل تعقل نیستند بترسان».

امام خمینی قدس سره در این باره می فرماید: «اگر بداند که انکار و امر و نهی جز با همراهی، خواهش و موعظه، تأثیر ندارد، ظاهر، وجوب انکار به این نحو است».^(۲)

و نیز می فرماید: «اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی او با تکرار اثر می کند، تکرار واجب است».^(۳)

و نیز می فرماید: «اگر احتمال دهد مقصود با موعظه و راهنمایی و گفتار نرم حاصل می شود، واجب است و تعدی از آن جایز نیست».^(۴)

۴ - رو بر تافتن

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «امرنا رسول الله صلی الله علیه وآله ان نلقى اهل المعاصی بوجه مُکفَهَرَه»؛^(۵) «رسول خدا صلی الله علیه وآله ما را دستور داده تا با اهل معصیت با ترش رویی برخورد کنیم».

ص: ۷۰

۱- ۱۷۰. تحف العقول، ص ۲۸۷.

۲- ۱۷۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۹.

۳- ۱۷۲. همان.

۴- ۱۷۳. همان.

۵- ۱۷۴. کافی، ج ۵، ص ۵۸.

خداوند متعال از قول حضرت ابراهیم علیه السلام نقل می کند: «قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَّا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ * أَف لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛^(۱) «گفت: آیا به جای خدای یکتا چیزی را می پرستید که نه نفعی به شما می رساند نه زیانی؟ اف بر شما و بر آنچه به جز خدای یکتا می پرستید! آیا تعقل نمی کنید؟»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وقتی تعلق لشکر اسامه را دید، فرمود: «جَهَّزُوا جِيْشَ اسَامَةَ، لَعْنُ اللّٰهِ مَنْ تَخَلَّفَ جِيْشَ اسَامَةَ»؛^(۲) «لشکر اسامه را تجهیز کنید، خدا لعنت کند کسی را که از لشکر اسامه تخلف جسته است».

و نیز امام خمینی قدس سره می فرماید: «اگر از بین بردن منکر و برپا داشتن معروف، متوقف بر گفتار خشن و شدت به خرج دادن در امر و تهدید و ترساندن بر مخالفت باشد جایز است؛ بلکه با رعایت دوری از دروغ، واجب است».^(۳)

۶ - قطع ارتباط

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «لَوْ اَنَّكُمْ اِذَا بَلَغْتُمْ عَنِ الرَّجُلِ شَيْءًا تَمَشَيْتُمْ اِلَيْهِ، فَقُلْتُمْ: يَا هَذَا اِذَا اِنْتَعَزْنَا وَتَجْتَنِبُنَا وَاِذَا اِنْتَكَفَّ عَن هَذَا، فَاَنْ فَعَلْ وَاَلَا فَاجْتَنِبُوهُ»؛^(۴) «اگر به شما درباره شخصی خبری رسید باید نزد او

ص: ۷۱

۱- ۱۷۵. سوره انبیاء، آیه ۶۴ - ۶۷.

۲- ۱۷۶. ملل و نحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۲۹.

۳- ۱۷۷. همان، ص ۴۳۸ و ۴۳۹.

۴- ۱۷۸. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴۹.

رفته و به او بگویید: ای مرد! یا از ما جدا شده و دور می شوی و یا آنکه دست از این کار بر می داری؛ اگر دست از عمل زشت خود برداشت که به رفاقت ادامه می دهی و گرنه او را رها می نمایم».

از این حدیث استفاده می شود که در صورت گوش ندادن شخص به نصیحت شما، وظیفه جمعی است که با او قهر کرده و از او دوری کنیم.

۷ - تهدید و ترساندن

خداوند متعال می فرماید: «لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»؛ (۱) «اگر منافقان و آنان که در دل هایشان مرضی است و آنها که در مدینه شایعه می پراکنند، از کار خود دست نکشند، تو را بر آنها برمی انگیزیم و مسلط می گردانیم؛ سپس جز اندک زمانی با تو در این شهر زندگی نتوانند کرد».

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از نپذیرفته نشدن دعوتش فرمود: «وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ»؛ (۲) «و به خدا قسم که بعد از آنکه روی گردانیدید، چاره این بت های شما را خواهم کرد».

۸ - تهدید خود را عملی سازد

خداوند متعال اشاره به عملی شدن تهدید حضرت ابراهیم علیه السلام کرده، می فرماید: «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»؛ (۳) «آنگاه (به بتخانه رفت و) همه آنها را در هم شکست، جز بزرگ ترشان را، تا به او رجوع کنند».

ص: ۷۲

۱- ۱۷۹. سوره احزاب، آیه ۶۰.

۲- ۱۸۰. سوره انبیاء، آیه ۵۷.

۳- ۱۸۱. سوره انبیاء، آیه ۵۸.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «اگر بدانند یا اطمینان داشته باشد که مقصود با دو مرتبه گذشته حاصل نمی شود، انتقال به مرحله سوم واجب است و مرحله سوم عبارت است از اعمال قدرت با رعایت مراحل مختلف شدت و ضعف»^(۱).

البته این مرحله مراتبی دارد که در موارد شخصی و خصوصی آن به اختیار انسان بوده و در موارد عمومی و اجتماعی باید هماهنگ با مسئولین باشد.

۹ - هدف اصلی هدایت مردم باشد

خداوند متعال می فرماید: «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»^(۲) «آنگاه (به بتخانه رفت و) همه آنها را در هم شکست، جز بزرگ ترشان را، تا به او رجوع کنند».

در این آیه هدف از عملی شدن تهدید، تشفی دل و خاطر حضرت ابراهیم علیه السلام ذکر نشده؛ بلکه علت آن بازگشت مردم ذکر شده است.

ص: ۷۳

۱- ۱۸۲. تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲- ۱۸۳. همان.

وجوب کفایی امر به معروف و نهی از منکر

خداوند متعال می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^(۱) «و باید از شما (مسلمانان) برخی (که دانا و باتقواترند، خلق را) به خیر و صلاح دعوت کنند و (مردم را) به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند».

ظاهر آیه آن است که این تکلیف متوجه تمام افراد است که با انجام برخی از عهده دیگران ساقط می گردد.

و نیز ممکن است از آیه فوق چنین استفاده شود که امر به معروف و نهی از منکر کار هر کسی نیست؛ بلکه وظیفه کسی است که دارای شرایط مخصوصی باشد که در جای خود به آن اشاره کردیم.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «اقوی این است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر کفایی است، پس اگر افرادی به حدّ کافی به این کار اقدام نمایند از دیگران ساقط خواهد شد و اگر هیچ کس اقدام نکرد، همه آنان با وجود تمام شرایط وجوب، تارک واجب خواهند بود»^(۲).

ص: ۷۴

۱- ۱۸۴. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲- ۱۸۵. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۵.

۱ - امام علی علیه السلام درباره ضرورت جنگ در صفین می فرماید: «... انَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَرْضَ مِنْ اَوْلِيَاءِهِ اَنْ يَعْبُدُوْهُ فِي الْاَرْضِ وَهَمَّ سَكُوْتُ مَذْعُوْنٍ، لَا يَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَلَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَوَجَدْتُ الْقِتَالَ اَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَعَالِجِهِ الْاَغْلَالِ فِي جَهَنَّمَ»؛^(۱) «... همانا خداوند تبارک و تعالی از دوستانش راضی نمی شود که در روی زمین معصیت او شود؛ در حالی که آنان سکوت کرده و بر اعمال زشت مردم با سکوتشان مهر تأیید بزنند، امر به معروف نکرده و نهی از منکر ننمایند؛ لذا من جنگ را بر خود از علاج غل های جهنم آسان تر یافتم».

۲ - امام حسین علیه السلام درباره فلسفه قیام خود فرمود: «... اَنْتِي لَمْ اُخْرَجْ اَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَفْسَدًا وَلَا ظَالِمًا وَاِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلْبِ الْاِصْلَاحِ فِي اُمَّةٍ جَدِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَرِيدُ اَنْ اَمُرَ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَسِيْرَ بِسِيْرِهِ جَدِي وَاَبِي عَلِيَّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ...»؛^(۲) «... همانا من به جهت طغیان گری و ایجاد تفرقه بین مسلمین و فساد و ظلم قیام نکردم؛ بلکه برای اصلاح در امت جد خود خروج نمودم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده و به سیره جد و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام عمل نمایم».

۳ - و نیز خطاب به لشکر حَرّ فرمود: «اَيُّهَا النَّاسُ! اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ:

ص: ۷۵

۱- ۱۸۶. وقعه صفین، ص ۴۷۴.

۲- ۱۸۷. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.

من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله ناكثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله صلى الله عليه وآله يعمل في عباد الله بالإثم والعدوان، فلم يغير ما عليه بفعل ولا قول كان حقاً على الله ان يدخله مدخله»؛^(۱) «ای مردم! همانا رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس سلطان ظالمی را مشاهده کند که حرام الهی را حلال دانسته و عهد الهی را شکسته و با سنت رسول خدا صلی الله علیه وآله مخالفت می نماید و در میان بندگان خدا به گناه و ظلم عمل می کند و با فعل و گفتار وضعیت را تغییر ندهد؛ برخداست که او را در جایگاهش - که همان جهنم است - وارد کند».

چه کنیم که از اهل معروف باشیم

از امام علی علیه السلام نقل شده که به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: «... وأمر بالمعروف تکن من اهله، فإن استتمام الأمور عند الله تبارك وتعالى الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر»؛^(۲) «... امر به معروف کن تا از اهل معروف باشی؛ زیرا تمامیت امور نزد خدای تبارک و تعالی به امر به معروف و نهی از منکر است».

کسانی که امر به فحشاء و نهی از معروف می کنند

۱ - پیروان شیطان

خداوند متعال می فرماید: «...وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»؛^(۳) «و هر کس قدم بر جای قدم های شیطان نهاد، (بداند که) او به کار زشت و ناپسند وامی دارد...».

ص: ۷۶

۱- ۱۸۸. الکامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۴۸.

۲- ۱۸۹. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۷، ح ۸۳۴.

۳- ۱۹۰. سوره نور، آیه ۲۱.

و می فرماید: «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (۱) «مردان و زنان منافق از یکدیگر (و طرفدار یکدیگر)ند؛ (مردم را) به کار ناپسند و امی دارند و از کار نیکو منع می کنند، و دست های خود را (از انفاق) فرو می بندند؛ (چون) خدا را فراموش کردند (خدا نیز) آنها را فراموش کرد، در حقیقت همان منافقانند که (بدترین) زشتکارانند».

راهکار دوری از فحشا و منکرها

از قرآن استفاده می شود که نماز، انسان را از منکرها باز می دارد؛ زیرا نماز کامل که فلسفه آن یاد خداست انسان را از راه دل به خوبی ها مرتبط می سازد و کسی که دلش به خوبی ها محکم شود هرگز به سراغ بدی ها نمی رود.

خداوند متعال می فرماید: «...إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»؛ (۲) «...همانا نماز (اهل نماز را) از زشتی ها و منکر باز می دارد...».

ص: ۷۷

۱- ۱۹۱. سوره توبه، آیه ۶۷.

۲- ۱۹۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

چند فتوا از امام خمینی رحمه الله

۱ - وجوب توصلی در امر و نهی

ایشان می فرماید: «در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت و اخلاص معتبر نیست؛ بلکه این دو، واجب توصلی هستند که برای قطع فساد و اقامه فرایض تشریح شده اند، ولی اگر قصد قربت کند اجر معنوی خواهد داشت و بر آن دو پاداش خواهد بود».(۱)

۲ - وجوب نهی در برابر هر گناه

ایشان می فرماید: «فرقی بین گناه کبیره و صغیره در وجوب نهی از آن نیست».(۲)

۳ - مولویت امر و نهی در این باب

ایشان می فرماید: «امر و نهی در این باب مولوی است؛ هر چند آمر و ناهی در درجه پایین باشند».(۳)

۴ - جهل به حکم از سوی فاعل

ایشان می فرماید: «اگر مسئله مورد اختلاف نباشد و احتمال داده

ص: ۷۸

۱- ۱۹۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۷.

۲- ۱۹۴. همان.

۳- ۱۹۵. همان، ص ۴۲۶.

شود که انجام دهنده کار به حکم آن آگاهی ندارد، ظاهر آن است که امر و نهی واجب است بویژه اگر جاهل مقصر باشد و احتیاط آن است که ابتدا او را نسبت به حکم آگاه کند و پس از آن اگر اصرار ورزید مورد انکار قرار دهد، بخصوص اگر جاهل قاصر باشد»^(۱).

۵- امر و نهی در موارد احتیاط

ایشان می فرماید: «اگر آنچه را مرتکب شده مخالف با احتیاط لازم باشد، احتیاط آن است که او را انکار نماید؛ بلکه وجوب انکار بعید نیست»^(۲).

۶- حکم احتمال تأثیر علنی

ایشان می فرماید: «اگر بدانند یا احتمال دهد انکار در حضور مردم نه در تنهایی، مؤثر است، پس اگر مرتکب منکر، آشکارا اقدام به چنین عملی کرده باشد انکار در حضور مردم جایز و واجب است»^(۳).

۷- حکم احتمال تأثیر در آینده

ایشان می فرماید: «اگر بدانند که انکار او در زمان حاضر بی تأثیر است، ولی بدانند یا احتمال دهد که امر الآن نسبت به آینده مؤثر است، امر و نهی واجب است»^(۴).

ص: ۷۹

۱- ۱۹۶. همان، ص ۴۲۸.

۲- ۱۹۷. همان.

۳- ۱۹۸. همان، ص ۴۲۹.

۴- ۱۹۹. همان، ص ۴۳.

۸ - حکم احتمال تأثیر در شخص سوم

ایشان می فرماید: «اگر بدانند امر و نهی او نسبت به مرتکب حرام و یا تارک واجب مؤثر نیست ولی نسبت به دیگری اثر دارد اگر خطاب خود را متوجه او نکنند، در این صورت واجب است خطاب را به انگیزه تأثیر در نفر دوم متوجه شخص اول کند». (۱)

۹ - امر به دیگری برای امر و نهی

ایشان می فرماید: «اگر بدانند که امر فرد خاصی در او مؤثر است و امر خود او اثر ندارد، واجب است به آن شخص امر کند تا او را امر به معروف و نهی از منکر کند؛ البته اگر شرایط برای شخص دوم فراهم باشد». (۲)

۱۰ - تأثیر نهی در جلوگیری

ایشان می فرماید: «اگر بدانند که شخصی تصمیم به ارتکاب حرام دارد و احتمال می دهد نهی او در وی تأثیر داشته باشد، نهی واجب است». (۳)

۱۱ - وجوب امر و نهی و احتمال کم شدن معصیت

ایشان می فرماید: «اگر بدانند یا احتمال دهد امر و نهی در کم کردن معصیت نه از بین بردن آن مؤثر است، امر و نهی واجب است». (۴)

۱۲ - وجوب نهی در صورت وجود قدرت در آینده

ایشان می فرماید: «اگر الآن از انجام حرام ناتوان است، ولی تصمیم

ص: ۸۰

۱- ۲۰۰. همان.

۲- ۲۰۱. همان.

۳- ۲۰۲. همان.

۴- ۲۰۳. همان.

دارد در صورت پیدا شدن توانایی انجام دهد، در این حالت اگر هر چند از راه معتبر بداند که قدرت بر انجام گناه پیدا خواهد کرد، ظاهر وجوب انکار است»^(۱).

۱۳ - امر و نهی به صورت اجمال

ایشان می فرماید: «اگر بداند که شخصی، حرامی را انجام داده یا واجبی را ترک کرده ولی مشخصاً نمی داند، انکار به نحو ابهام واجب است. و اگر می داند واجبی را ترک می کند یا حرامی را انجام می دهد، امر و نهی به صورت اجمال یا ابهام واجب است»^(۲).

ص: ۸۱

۱- ۲۰۴. همان، ص ۴۳۲.

۲- ۲۰۵. همان، ص ۴۳۲ و ۴۳۳.

در مورد امر به معروف و نهی از منکر شبهات و اشکال هایی مطرح شده که به یکایک آنها پرداخته و پاسخ می دهیم:

شبهه اول

برخی می گویند: «بر ما واجب است که مردم را به حال خود رها نماییم و در شؤون خصوصی آنها با امر به معروفی که رغبت به انجام آن نداشته و نهی از منکری که میل به انجام آن دارند، دخالت نکنیم؛ زیرا این کار با آزادی شخصی مردم که در اسلام ثابت شده سازگاری ندارد.

آنان بر صحت مدعای خود به این آیه تمسک کرده اند که خداوند متعال می فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» (۱) «در (کار) دین هیچ اجباری نیست و راه (هدایت) از بیراهه (ضلالت) روشن گردید...».

پاسخ

اولاً: دعوت مردم به طور صحیح و معقول به انجام معروف و ترک منکر نه تنها با آزادی افراد ناسازگار نیست، بلکه عقل انسانی آن را تأیید کرده و عقلایی به نظر می رسد؛ زیرا اگر انسان مشاهده کند فردی نزدیک است که در چاه افتاده و هلاک شود، اگر او را به طور صحیح

ص: ۸۲

و حتی با شدت معقول هدایت و راهنمایی نکند نزد عقلا مذمت و سرزنش خواهد شد و عقل سلیم در چنین موردی حکم می کند که انسان عالم افراد جاهل را به سوی هدایت راهنمایی کرده و با امر به معروف و نهی از منکر مردم را از جهنم نجات دهد.

ثانیاً: همان گونه که در جای خود به اثبات رسیده، غایت و هدف انسان قرب به خداست نه فرو رفتن در منکرها و بدون شک، آزادی انسان نیز باید در این راستا قرار گیرد تا تأمین کننده هدف او باشد. و لذا می توان گفت که از دیدگاه اسلام، آزادی وسیله ای است برای دستیابی انسان به کمال، بر خلاف مکاتب بشری که آزادی را یک هدف به شمار می آورند.

آری، بدون شک، مسئله سعادت و کمال فرد به اختیار و انتخاب او وابسته است، ولی انسان نمی تواند به نام آزادی انتخاب، مزاحم آزادی سایر افراد جامعه و کمال اجتماع گردد و احیاناً به کمال جامعه آسیبی برساند. این مسئله ای است که نه تنها اسلام، بلکه مکاتب بشری نیز بر آن تأکید می ورزند و می دانیم افرادی که در جامعه به صورت علنی منکرها را انجام می دهند، با ایجاد ناهنجاری ها و حرمت شکنی ها، جامعه را به فساد و تباهی می کشانند.

«جان رالز» در این باره می گوید: «محدودیت آزادی در ارتباط با

منافع عمومی جایز است؛ به عبارت دیگر، از آنجا که اجرای اصل منفعت عمومی؛ یعنی بهره مندی جامعه از حداقل استاندارد امکانات زندگی، شرط لازم اعمال و ارتقای آزادی است، به منظور نیل به این اصل می توان آزادی را محدود نمود»^(۱).

بدین ترتیب، کمال فرد و آزادی آن در رسیدن به کمالش تا آنجا محترم شمرده می شود که به کمال جامعه آسیب نرساند؛ از این رو یکی از وظایف دولت و حاکمیت، آن است که هم از آزادی فردی دفاع کند و هم از حریم آزادی اجتماعی و کمال جامعه محافظت نماید. در اسلام آزادی ارزش ذاتی ندارد، بلکه ارزش آن به هدف و مقصد آن است، اگر آزادی در مسیر سعادت انسان قرار گرفته و باعث تعالی فرهنگی و آموزشی و پرورشی جامعه باشد کاملاً ارزشمند می باشد و در غیر این صورت بی ارزش و یا احیاناً ضد ارزش خواهد بود.

استاد شهید مطهری رحمه الله در این باره می فرماید: «بشر اروپایی برای آزادی ارزش فوق العاده ای قائل است و حتی آن را لایق پرستش می داند؛ در حالی که اگر ارزش واقعی آزادی را در نظر بگیریم، نسبت به سایر عوامل سعادت، آزادی عامل نفی موانع از مسیر سعادت است و ارزش عوامل مثبت چون فرهنگ و تعلیم و تربیت مهم تر است.

ص: ۸۴

آزادی، ایده آل انسان نیست، شرط است. عقیده ما در باب ریشه احترام آزادی همان حیثیت ذاتی انسان است؛ ولی این حیثیت ذاتی از آن جهت مبنای لزوم احترام است که ناموس غایی خلقت، یعنی حقّ ایجاب می کند و منشأ حقّ، نظام غایی وجود است. از نظر ما، فلسفه اروپایی از لحاظ بیان فلسفه و منشأ آزادی و همچنین از لحاظ بیان علت لزوم احترام آزادی عقیم است؛ زیرا قادر نیست حیثیت ذاتی بشر را آن طور که سبب گردد برای همه لازم الاحترام باشد توجیه کند و نتیجه آن را ذکر نماید»^(۱).

حقّ این است که آزادی تکوینی و آزادی اجتماعی هر کدام فلسفه و حکمت خاص خود را دارند. انسان تکویناً آزاد خلق شده تا به کمال مطلوب خود برسد؛ امّا از آنجا که او مختار است که از این آزادی در راه کمال و یا زوال خود بهره گیرد، بنابراین حقّ ندارد از این آزادی برای سقوط جامعه استفاده کند؛ چون اهداف هر جامعه ای حدّ آزادی انسان در آن را تعریف می کند.

ثالثاً: آیه مورد نظر، اکراه و اجبار در عقیده را نفی می کند؛ زیرا اعتقاد و ایمان از امور قلبی است که اکراه و اجبارپذیر نیست و جمله «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» جمله ای است خبری که خداوند بعد از آن، جمله «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» را آورده است، جمله ای که در مقام تعلیل بر جمله اوّل

ص: ۸۵

است، به این معنا که بعد از روشن شدن راه و انکشاف حَقِّ، حاجتی به اکراه در عقیده نیست. و لذا در آیه های دیگر به وجوب امر به معروف و نهی از منکر تصریح شده است و نیز در مبحث حدود و تعزیرها به طور گسترده سخن از اجرای حدود شرعی به جهت جلوگیری از تکرار منکرات در جامعه شده است که این دستورها همگی مصداق بارز امر به معروف و نهی از منکر است.

شبهه دوم

برخی می گویند: «از آیات قرآن استفاده می شود ما وظیفه داریم تنها به فکر خود بوده و درصدد تهذیب نفس خودمان باشیم و نسبت به گمراهی دیگران وظیفه ای نداریم؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ...»؛ (۱) «ای اهل ایمان! (ایمان) خود را محکم نگه دارید؛ اگر شما به راه هدایت باشید، آنکه گمراه شده است زیانی (از کفر او) به شما نخواهد رسید...».

پاسخ:

اولاً: ظاهری را که مخالفان از این آیه فهمیده اند با نصوص ها وجوب امر به معروف و نهی از منکر مخالفت دارد و لذا باید آیه را از ظهور آن منصرف ساخت تا با آیه های دیگر منافات نداشته باشد.

ثانیاً: خداوند متعال در این آیه نرسیدن ضرر به

ص: ۸۶

سبب گمراهی دیگران را مشروط به هدایت انسان کرده است و می دانیم که انسان به هدایت کامل نمی رسد مگر در صورتی که به تمام وظایف و تکالیفش که از آن جمله امر به معروف و نهی از منکر است عمل کرده باشد.

ثالثاً: جمله «عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ» که در آیه آمده، دلالت بر اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ زیرا از موارد اهتمام به خود، اهمیت دادن به وظایف شرعی است که یکی از آنها امر به معروف و نهی از منکر است.

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: «انّ الآیه لاتنافی آیات الدعوه و آیات الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر؛ فانّ الآیه انما تنهی المؤمنین عن الاشتغال بضلال الناس عن اهداء انفسهم واهلاك انفسهم فی سبیل انقاذ غیرهم وانجائهم. علی انّ الدعوه الی الله والأمر بالمعروف والنهی عن المنکر من شؤون اشتغال المؤمن بنفسه وسلوکه سبیل ربّه...»؛ (۱)

«این آیه با آیه های دعوت و آیه های امر به معروف و نهی از منکر منافات ندارد؛ زیرا این آیه مؤمنان را از اشتغال به هدایت مردم از ضلالت و فراموش کردن هدایت خود و نیز هلاک کردن خود در راه نجات دیگران، نهی می کند. علاوه اینکه دعوت به سوی خدا و امر به معروف و نهی از منکر از شؤون اشتغال مؤمن به خود و پیمودن راه پروردگارش می باشد.»

ص: ۸۷

قاضی بیضاوی می گوید: «شأن نزول آیه آنجایی است که مؤمنان بر کفر کافران بعد از دعوت به اسلام حسرت می خورده و آرزوی ایمان آنان را داشتند».(۱)

از سعید بن مسیب در تفسیر آیه فوق نقل شده که می گفت: «إذا امرت بالمعروف ونهيت عن المنكر، لا يضرّك من ضلّ اذا اهتديت»؛(۲) «هرگاه که امر به معروف و نهی از منکر نمودی و از این طریق هدایت یافتی، گمراهی شخص گمراه به تو ضرری نمی رساند».

شبهه سوم

برخی می گویند: «چون ما خودمان معروف را به تمامه انجام نداده و از منکر اجتناب نمی کنیم لذا بر ما واجب است که به تربیت خود همت کرده و کاری به مردم با امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشیم، خصوصاً آنکه خداوند متعال افرادی را که با فراموش کردن خود، دیگران را نصیحت می کنند مذمت کرده است؛ آنجا که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛(۳) «ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده اید! چرا چیزی به زبان می گوید که (در مقام عمل) انجام نمی دهید؟! (بترسید از) اینکه سخنی بگوئید و به آن عمل نکنید! بسیار موجب خشم و غضب خدا است».

و نیز می فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ

ص: ۸۸

۱- ۲۱۱. انوار التنزیل، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲- ۲۱۲. تفسیر طبری، ج ۱۱، ص ۱۴۸.

۳- ۲۱۳. سوره صف، آیه ۲- ۳.

الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ (۱) «چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می دهید و خود را فراموش می کنید و حال آنکه کتاب خدا را می خوانید، چرا (در آن) تعقل نمی کنید (تا گفتار نیک را به مقام کردار آرید؟)».

پاسخ:

اولاً: این آیه ها درصدد مذمت کسی نیست که امر به معروف و نهی از منکر را انجام می دهد، بلکه کسی را مذمت می کند که معروف را ترک کرده و منکر را انجام می دهد. و به عبارت دیگر، آیه کسی را مذمت می کند که خودش را فراموش کرده و مطابق گفتارش عمل نمی کند.

ثانیاً: هر مکلفی دو تکلیف دارد؛ یکی عمل به معروف و ترک منکر و دیگری امر به معروف و نهی از منکر و ترک یکی از دو واجب توجیه کننده ترک واجب دیگر نیست.

ثالثاً: شکی نیست که دعوت کامل با عمل به معروف و ترک منکر در نفوس مردم تأثیر بیشتر دارد، ولی دعوت غیر کامل هم بی تأثیر نخواهد بود.

آری نباید به گونه ای باشد که خودش اصلاً عامل به معروف نباشد و فقط امر و نهی کند.

شبهه چهارم

برخی می گویند: «امر به معروف و نهی از منکر انجام نمی دهیم؛ زیرا از ایجاد فتنه و درگیری می ترسیم».

ص: ۸۹

پاسخ:

اولاً: موارد امر به معروف و نهی از منکر فرق می کند، در برخی از موارد باید مردم را بیدار نمود گرچه خوف فتنه و ایجاد تشنج و درگیری باشد و این در مواردی است که مصلحت اهم در میان باشد.

ثانیاً: از بس که امر به معروف و نهی از منکر انجام نگرفته لذا این سنت برداشته شده و برخی می ترسند تا به آن عمل نمایند در حالی که اگر این تکلیف عمومی شود کسی جرأت تعرض به عموم مردم پیدا نمی کند.

ثالثاً: اگر با احترام و دقت و ... باشد هیچ احتمال خطری هم نیست.

شبهه پنجم

برخی می گویند: «ما تلاش و کوشش و وقت خود را صرف امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؛ زیرا مردم گوش به حرف ما نمی دهند و برای این حرف ها ارزشی قائل نمی شوند».

پاسخ:

اولاً: گرچه یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است ولی تنها اثر این تکلیف عمل دیگران به معروف و ترک منکر نیست؛ بلکه گاهی به جهت اتمام حجت باید حقایق برای مردم روشن شود.

ص: ۹۰

و لذا در آیات قرآن وظیفه پیامبران را ابلاغ ذکر کرده است؛ آنجا که می فرماید: «...فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»؛ (۱) «ولی آیا جز تبلیغ رسالت بر رسولان وظیفه ای است؟».

و نیز می فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»؛ (۲) «پس (ای رسول!) تو خلق را متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست! و تو تسلط بر آنان نداری».

و لذا مشاهده می کنیم که صالحان از اصحاب سبب مرتب درصدد نصیحت قوم خود برآمده و به سبب عدم اجابت دستورهای آنان، دست از امر به معروف و نهی از منکر بر نمی داشتند تا نزد خدا معذور بوده و شاید قوم خود را اصلاح کنند؛ لذا خداوند متعال درباره آنان می فرماید: «وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إلی رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»؛ (۳) «و چون جمعی از آن گروه گفتند: چرا قومی را که از جانب خدا به هلاکت می رسند، یا آنها را به عذابی سخت گرفتار خواهد کرد، موعظه می کنید؟ (ناصحان) گفتند: تا (پند ما) معذرتی نزد پروردگارتان باشد و شاید که (پند ما اثر کند و آنها) تقوا پیشه کنند».

ثانیاً: اینکه حرف ها و نصیحت های ما بی تأثیر شده و مردم توجهی به آنها ندارند، عوامل و جهاتی دارد که یکی از آنها عمل نکردن خود ما

ص: ۹۱

۱- ۲۱۵. سوره نحل، آیه ۳۵.

۲- ۲۱۶. سوره غاشیه، آیه ۲۱ - ۲۲.

۳- ۲۱۷. سوره اعراف، آیه ۱۶۴.

نسبت به دستورهای شرع است و دیگر اینکه از بس به مردم نگفتیم، مردم نیز به این حرف ها توجهی ندارند و لذا اگر به مقدار کفایت امر به معروف و نهی از منکر کنیم قطعاً تأثیر داشته و مردم به نصیحت ها گوش فرا می دهند.

ثالثاً: ما و شما که علم غیب نداریم، از کجا می دانیم که تأثیر نمی کند و مردم گوش فرا نمی دهند؟ شاید اگر با شرایط آن و با اخلاق خوش به مردم بگوییم تأثیر داشته باشد؛ مگر نمی دانیم که مقلب القلوب خداست و گفتن ما وسیله است، شاید خداوند با گفتن ما در دل آنان تأثیر بگذارد.

شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «در اینجا یک اشتباه بزرگ برای بعضی پیدا شده است و آن اینکه ممکن است کسی بگوید: من که قدرت ندارم فلان کار را انجام بدهم، اسلام هم که گفته اگر قدرت نداری نکن، پس دیگر خیالم راحت است. دیگری می گوید: اسلام گفته است امر به معروف و نهی از منکر در وقتی است که در آن احتمال نتیجه دادن باشد؛ من احتمال نمی دهم، پس خیالم راحت است؛ این اشتباه است.

این احتمال غیر از احتمالی است که شما در باب طهارت و نجاست می دهید؛ من نمی دانم فلان چیز پاک است یا نجس، می گوید آیا احتمال می دهی که پاک است؟ بله، احتمال می دهم. بگو پاک است... اما اینجا که

می گوید احتمال، نه معنایش این است که برو در خانه ات بنشین، بعد بگو من احتمال اثر می دهم، احتمال اثر نمی دهم. اینکه پاکی و نجسی نیست، در این مورد باید بروی کوشش کنی، حداکثر تحقیق را بکنی تا ببینی و بفهمی که آیا به نتیجه می رسی یا نمی رسی. کسی که بی اطلاع است و دنبال تحقیق هم نمی رود تا بفهمد از این امر به معروف و نهی از منکرش به نتیجه می رسد یا نمی رسد، چنین عذری را ندارد. یا آن دیگری می گوید: آقا! من که قدرت ندارم. اسلام هم می گوید بسیار خوب، ولی برو قدرت را به دست بیاور. این، شرط وجود است نه شرط وجوب؛ یعنی گفته اند تا ناتوانی دست به کاری نزن که به نتیجه نمی رسی، ولی برو توانایی را به دست آور تا بتوانی به نتیجه برسی»^(۱).

ص: ۹۳

۱- ۲۱۸. حماسه حسینی، ص ۳۰۵ و ۳۰۶.

منابع و مأخذ

قرآن

نهج البلاغه

الترغيب والترهيب

السيره النبويه، ابن هشام

الفردوس بمأثور الخطاب

الكامل، ابن اثير

تفسير الميزان، علامه طباطبائي

انوار التنزيل

بحار الانوار، علامه مجلسي.

تاريخ طبري،

تحف العقول،

تصنيف غرر الحكم،

تصنيف نهج البلاغه،

تفسير طبري،

تهذيب الاحكام،

جعفريات،

جواهر الكلام،

خصال، صدوق،

سلسله يادداشت هاي استاد مطهري

شرح ابن ابى الحديد

عدالت و آزادی، سید علی محمودی

غرر الحکم

اصول کافی، کلینی محمد بن یعقوب

کنز العمال، حسام الدین ہندی

لسان العرب، ابن منظور

مجمع البيان، طبرسی

مجمع الزوائد، ابن حجر ہیثمی

محاسن برقی، محمد بن خالد برقی

مسند احمد، احمد بن حنبل

معانی الأخبار، بابویہ قمی

مفردات الفاظ القرآن

مکارم الاخلاق، حسن طبرسی

ملل و نحل، شہرستانی

من لا یحضرہ الفقیہ، شیخ صدوق

وسائل الشیعہ، حرّ عاملی

وقعہ صفین

جامع احادیث الشیعہ

ص: ۹۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

